

## بازنمایی مفاهیم قرآنی در اشعار علامه اقبال لاهوری

پژوهنده: پوهنوال دکتور عبد الصبور فخری

استاد زبان و ادبیات عربی - دانشگاه کابل

### چکیده

مقاله ای که زیر عنوان: « بازتاب مفاهیمی قرآنی در اشعار علامه اقبال لاهوری » نگارش یافته، در برگیرنده مباحث و مطالب زیر می باشد: در مبحث نخست به مسائل اعتقادی و توحیدی پرداخته شده است، اولتر از همه در باره مقام پروردگار جهان و صفات باری تعالی بحث شده است. شاعر در لایه لای شاعرش نشانه های قدرت و عظمت او تعالی به شیوه ای نغز و زیبا بیان داشته، پس از آن مصدر عزت و ذلت را بیان داشته که همه از جانب پروردگار است، از سویی هم بر این امر تأکید داشته که پروردگار عالم به بندگانش از شهرگ گردن نزدیک تر است. دومین مطلبی که بدان توجه نموده بیان جایگاه قرآن کریم و اوصاف و ویژگی های عمده آن می باشد. مطلب سوم به رسالت، اوصاف و جایگاه بلند پیامبر اسلام - صلی الله علیه و سلم - تخصیص یافته است. در این مطلب بدین نکته هم اشاره شده که اسلام واپسین دین الهی در روی زمین، و رسالت حضرت محمد آخرین رسالت آسمانی می باشد. در مطلب چهارم و پنجم به مفهوم ایمان به آخرت و رستخیز و تأثیرات عمیق آن بر زندگی بندگان از یکسو و به مفهوم باور به تقدیر خیر و شر از سوی دیگر اشاره ای کوتاه و گذرا داشته است. در کل مبحث اول که همان بخش باورهای اقبال را تشکیل می دهد عمده ترین بخش مقاله می باشد.

در مبحث دوم مقاله، به مفاهیم اخلاقی و عادات انسانی توجه شده است. عمده ترین مطالب اخلاقی که قرآن کریم بدان توجه کرده عبارتند از: اخوت، همگرایی و صلح خواهی، انحراف اخلاقی دینمداران از جاده اسلام، اظهار پشیمانی از کردار زشت و اتهام نفس به ستم بر خویشتن، اخلاص و یک سویی که می شود آن را راز موفقیت دانست.

جایگاه انسان در نظام هستی، موضوع دیگری است که از پهلوی های مختلف مورد بحث و مذاقه قرار گرفته است، مانند: برابری همه انسان ها در نهاد و آفرینش، بیان اوصاف آفرینشی و اخلاقی انسان، این که چرا انسان مسجود فرشتگان قرار گرفت.

این مقاله، مبحث چهارم را به دستورات الهی به کردار نیک تخصیص داده است، مانند: تشویق به نماز های پنجگانه و راز و نیاز های نیمه شبی میان بنده و پروردگارش، دعاء و نیایش، گریز به سوی الله و انابت به درگاه او تعالی، تفکر پیرامون پدیده های قدرت الهی در هستی و تأمل در باره پایان سرنوشت ستمگران، حمل امانت اسلام توسط انسان و توجه به شریعت اسلام و التزام به آن.

در مبحث پنجم موضوعاتی اجتماعی به نحو زیر، به بررسی گرفته شده است: پافشاری بر یکپارچگی و هشدار از تفرقه، جایگاه زن در جامعه انسانی از نگاه آموزه های اسلام، و اینکه زنان تکمیل کننده زندگی مردان اند.

در مبحث ششم، زیر عنوان «دعوت، مجاهدت و انقلاب»، موضوعات زیر را مورد بحث قرار داده ایم: دعوت به سوی تغییر و انقلاب، تأثیرات شگرف باورهای ایمانی بر روح و روان انسان، امت اسلام امتی عادل و میانه می باشد. از سویی به این امر پرداخته ایم که اقبال دیگران را به پیروی از پیامبر اسلام هرچند که امی (بیسواد) بود فرا می خواند، و مسلمانان را به سوی جهاد و فداکاری حقیقی برای برآوردن اهداف والای شان، دعوت می کند.

**کلید واژه ها:** باورها، رسالت، تقدیر، دستورات الهی، انقلاب، اخلاق اجتماعی، مجاهدت، یکپارچگی و فداکاری.

## المخلص

هذا المقال الذى يحمل عنوان: " انعكاس المفاهيم القرآنية فى أشعار محمد إقبال اللاهورى " يحتوى على المباحث الآتية التى تندرج تحت كل منها عدة مطالب. وقد تناول المبحث الأول القضايا العقدية حيث تحدث أولا عن صفات الله تعالى ومكانه العلى وكونه رب العالمين ومليكه. وقد أبرز الشاعر من خلال بعض الأبيات الشعرية فى ديوانه مظاهر قدرة الله تعالى وعظمته وبين أن الله تعالى هو المعز والمذل، وهو أقرب إلى العباد من حبل الوريد، وقد تعرض الكاتب إلى بيان مكانة القرآن الكريم وخصائصه كما تحدث عن رسالة الرسول محمد صلى الله عليه وسلم ومكانته العالية عند الله تعالى. وقد تناول الباحث من خلال هذا المبحث أيضا قضية الإيمان باليوم الآخر والبعث وتأثير ذلك على حياة العباد وتكلم عن التقدير خيريه وشره بشكل عابر. أما المبحث الثانى فى هذا البحث فقد خصص بالجانب الخلقى فى القرآن الكريم مثل: الأخوة، والصلح ونبذ سوء الأخلاق وانحرافات مدعى الدعوة والزهد، ثم يبين مدى الندامة التى يعانى منها الشاعر يتهم نفسه بالظلم على نفسه وأيضا يؤكد على الإخلاص لله تعالى لأنه هو البلسم الشافى لكل مرض معنوى وروحى. ومن الموضوعات التى تعرض لها الباحث فى المقال هو منزلة الإنسان فى الكون مثل: سواسية بنى آدم فى الخلق، وبيان أوصافه الخلقية والإجابة على جدلية سجود الملائكة له فى الجنة فى أول الخلق. وقد تحدث الباحث من خلال المبحث الرابع عن أوامر الله تعالى الإنسان إلى العمل الصالح، مثل: الأمر بالصلوات الخمس وقيام الليل، والدعاء، والفرار إلى الله تعالى والتفكر فى آلاء الله تعالى فى الكون ثم التفكير عاقبة مصير الظالمين و إصدار الأمر للإنسان كى يحمل أمانة الإسلام ويهتم بالشريعة الإسلامية ويلتزم به. وقد خصص المبحث الخامس للموضوعات الاجتماعية مثل: الدعوة إلى الوحدة وذم التفرقة، ومثل مكانة المرأة فى المجتمع من وجهة نظر الإسلام وكونها مكمله لحياة الرجل. وأما المبحث السادس والأخير، فقد تناول موضوعات الدعوة والمجاهدة والثورة فى حياة المسلم، أولا تكلم عن دعوة إقبال إلى التغيير والثورة، ثم عن آثار الإيمان فى نفس الإنسان، ثم عن وسطية الأمة الإسلامية واعتدال الدين الإسلامى، وتناول أيضا موضوع أن محمد إقبال يدعو الناس إلى اتباع الرسول الأمى العربى ويدعوهم أيضا إلى الجهاد والتضحية فى سبيل تحقيق غايات الإسلام السامية النيرة.

**الكلمات المفتاحية:** المعتقدات، الرسالة، القدر، أوامر الله تعالى، الثورة، السلوك الاجتماعى، المجاهدة، الوحدة والتضحية.

## مقدمه

از سال ۱۳۹۱ خورشیدی به این سو در بخش زبان و ادبیات عربی دانشکده ادبیات خارجی دانشگاه کابل مشغول تدریس تاریخ ادبیات و نقد ادبی زبان عربی هستم، زندگینامه بسیاری از شاعران بزرگ زبان عربی را از دوره جاهلی تا عصر حاضر خوانده و نمونه هایی از شعرشان را برای دانشجویان تدریس کرده ام، در این مدت، کمتر شاعری را یافته ام که به پیمانه شاعران پارسی گوی چون: سعدی شیرازی، نظامی گنجوی، سنایی غزنوی، عطار نیشابوری، مولوی جلال الدین بلخی و بیدل دهلوی و در آخر علامه اقبال لاهوری، از معانی قرآنی و واژگان آن، استفاده کرده باشد. لاجرم در میان شاعران عرب هم کسانی وجود دارند که اشعار اسلامی دارند و یا قسمتی از شعرشان را می توان شعر اسلامی نامید، از جمله احمد شوقی امیر الشعراء جهان عرب در اوایل قرن بیست، حافظ ابراهیم شاعر نیل، احمد محرم شاعر معاصر شوقی و حافظ، سید قطب و علاء الدین امیری و غیره.

هنگامی که کلیات اقبال لاهوری را زیر مطالعه و مذاقه می گیریم به وضوح در میابیم که او پس از مولوی جلال الدین محمد بلخی بیشتر از هر شاعر دیگری با قرآن انس داشته است. به جزم می توان گفت: نیمی از معانی و مفاهیم شعر اقبال از قرآن گرفته شده است، و یا دیوان های شعرش در روشنی فهم و برداشتی که از قرآن داشته تألیف شده است. دانشمندان ادبیات اسلامی بر آنند، شعر اسلامی شعری است که معنی و مفهومش یا برگرفته از آموزه های اسلام باشد و یا با روح و آموزه های اسلام همسویی داشته و با آن در تصادم واقع نگردد. از این لحاظ شعر اقبال را می توان شعر اسلامی و خودش را در شمار شاعران اسلامگرا تصنیف نمود. هرگاهی که در جهان معاصر به ویژه دوره ای که استعمار غرب، چه به طور مستقیم و چه غیر مستقیم، بر جهان اسلام استیلا یافته، از شعر و ادبیات اسلامی سخن می گوئیم، بدون تردید اقبال در صدر فهرست شاعران اسلامگرا و شعرش در صدر فهرست شعر اسلامی قرار می گیرد.

از آنجایی که میزان تأثیر پذیری علامه اقبال از قرآن کریم خیلی زیاد و متنوع است و ما در مقاله های دیگری پیرامون تأثیر پذیری او در سطح الفاظ و تراکیب و در استعمال داستان های قرآنی به تفصیل سخن گفتیم ایم که می توان آن را تأثیر پذیری مستقیم از قرآن کریم نامید، در این مقاله سعی می کنیم میزان تأثیر پذیری وی را از مضمون و محتوای قرآن بیان داریم. بنده در لابه لای مطالعاتی که در کلیات اقبال داشته ام با دهها مورد برخورد کرده ام که اقبال مفاهیم قرآنی را در قالب شعر در آورده است و خواننده ژرفنگر با اندکی تأمل در میابد که مفاهیم و افکار آن ابیات برگرفته از قرآن کریم است. به نظر بنده، اقبال در تعامل و اخذ مفاهیم قرآنی همانند زنبور عسل عمل کرده است؛ زنبور عسل بر هر گلی

می نشینند و غذای خویش را از آن گلها می مکد، سپس به صورت شهد در آورده به بیرون تحویل می دهد، اقبال نیز قرآن کریم را می خواند و مضامین آن را هضم می کند و سپس به صورت خیلی نغز در قالب شعر بیرون می آورد. در این مقاله می کو شیم اندازه تأثیر پذیری اقبال از مضامین قرآنی را شرح کنیم.

عرصه های تأثیر پذیری اقبال از مضامین قرآنی خیلی متنوع است. در این مقاله سعی خواهیم کرد شماری از آن عرصه ها به عنوان مشتم نمونه خروار بیان داریم.

## اهمیت و اهداف پژوهش

اهمیت و اهداف پژوهش را در نکات زیر خلاصه می کنیم:

۱. هدف اصلی ما از نوشتن این پژوهش آن است تبلیغاتی که علیه اقبال از سوی متحجرین جزم اندیش مطرح شده، او را به بی دینی و پیروی از فرهنگ غربی متهم کرده بودند را رد نماییم و چهره پاک این اسلامگرای مخلص را از هر گونه تهمت ناروا تبرئه کنیم.

۲. از سویی هم شمار زیادی از دانش پژوهان بر این باور اند، اقبال به سبب آنکه در مدرسه های علوم شرعی که در شبه قاره هند مروج است، درس نخوانده بلکه در مکاتب دولتی رسمی و به زبان انگلیسی درس خوانده و داکتری خود را هم در فلسفه از غرب به دست آورده، شاید در باره اسلام اطلاعات بنیادین و روشنی ندارد، این پژوهش نشان می دهد، همان اندازه که اقبال با فلسفه غرب آشنایی داشته بیشتر از آن در باره اسلام و آموزه های آن به ویژه قرآن کریم آگاهی داشته است.

۳. مطالعه سر سری کلیات اقبال خواننده را به فهم عمیق اقبال از آموزه های قرآنی رهنمایی نمی کند؛ ولی خواندن محققانه و پژوهشگرانه و تأمل در معانی ابیات شعری اقبال بر آن میدارد که میان مفاهیم شعری اقبال و مضامین قرآنی مقارنه و تطبیق نماییم تا میزان اشتراک مفاهیم و سطح تأثیر پذیری اش نمایان گردد، این کار از طریق یک فعالیت پژوهشی ممکن و میسر است.

۴. هر چند مقالاتی توسط نویسندگان محترمی در باره تأثیر پذیری اقبال از قرآن نگارش یافته ؛ اما دارای تصنیف دقیق نیستند و مفاهیم عامی را بیان داشته اند، روی از ملحوظ بر آن شدیم که نگارش مقاله ای مختص به بخش تأثیرات غیر مباشر قرآن بر شعر اقبال روی آوریم تا این خالیگاه پر شود.

## پیشینه، محدودیت و اسباب انتخاب موضوع پژوهش

مطمئن هستم در کشور های پاکستان و ایران پیرامون شعر و فلسفه اقبال کتابهای فراوانی نگاشته شده و ممکن است پیرامون بعد تأثیر پذیری او از قرآن کریم چه به طور مستقیم و یا غیر مستقیم هم آثاری به صورت کتاب یا مقالات به زبان اردو یا فارسی نگارش یافته باشد، بنده تلاشهایی در این راستا انجام دادم، ولی در زبان فارسی و عربی با چنین مطلبی برخورد نکردم، حتی بیشتر از پنجاه کتاب را به زبان های فارسی و عربی زیر و رو کردم ولی پیرامون این پهلوی سخنی سنجیده، پژوهشی و دقیق نیافتم. بنا بر خالیه موجود در این زمینه، و بنا بر نبود نبشته های پژوهشی که میزان فهم اقبال از قرآن را روشن سازد، بر آن شدم تا در این راستا، پژوهشی انجام دهم تا این کمبود پر شود و به یکی دیگر از جنبه های زندگی و ادب اقبال توجه درخور صورت گیرد.

### روش های تطبیق رویکرد پژوهش

برای آنکه کار پژوهش درست و متقن به پایه اكمال برسد، لاجرم بر آن شدم تمام کلیات فارسی اقبال را بیت به بیت خوانده، از آن یاد داشت برداری کنم. از آنجایی که به کتب مورد نظر در این موضوع دست نیافتم، پژوهش بنده مستقیم بوده آنچه را که از ابیات دریافتم و مضامین آن را با محتوای آیات قرآنی سر داده همخوان یافتم، انتخاب کردم. اگر در این کار توفیقی نصیبم شده باشد، خداوند را سپاس می گویم و اگر اشتباهی دست داده باشد، آن را از ضعف و قلت بضاعت خود می دانم و امید وارم که دانش پژوهان گران ارج، بر من پوزش کنند و در عین حال کاستی هایم را با ملاحظات مخلصانه خویش، مرفوع بدارند.

پژوهش کنونی در شش مبحث مورد مذاقه قرار گرفته است و هر مبحث به چندین مطلب منقسم شده است؛ نخست ابیاتی بیان گردیده که مفهوم آن از قرآن گرفته شده است، سپس آیاتی که مرتبط به آن ابیات اند نقل شده است. از آنجایی که مخاطبان ما فرهنگیان سطح بالا هستند از ترجمه آیات قرآنی خود داری کردیم. و بخاطر فرهیختگانی که عربی بلد نباشند، آدرس آیات را در حاشیه ذکر کرده ام تا در صورت نیاز به ترجمه قرآن کریم مراجعه کرده مشکل خود را مرفوع بدارند.

### مبحث نخست

#### تجلی مفاهیم اعتقادی

در مبحث نخست توجه پژوهنده به ابیاتی بوده که اقبال لاهوری در عرصه باور به الله پاک و صفات باری تعالی، ایمان به پیامبر بزرگ ما حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم و باور به آخرت و تقدیر خیر و شر داشته است. اقبال راز پیروزی انسان مسلمان را در باور راستین به الله تعالی، سرفرود آوردن کامل به دستورات الهی و انقیاد به شریعت اسلامی و پیروی بی قید و شرط از پیامبر بزرگ اسلام می داند، و معتقد است که انسان امروزی بسان انسان های صدر اسلام باید در خویشستن خویش انقلاب آورد؛ نخست از همه، در صفات باری تعالی بیندیشد و از آن درک ژرف مبتنی بر تعقل داشته، پیامبر بزرگ اسلام را رهبر و رهنمای خویش برگزیند و شیوه زندگی اش را چراغ راه خود گرداند و همچنان دین اسلام و شریعت غرای آن را قانون زندگی سازد. در این قسمت بحث، پیرامون تصور اقبال از خداوند، رسول برحق وی و باور به روز بازپسین و چند مطلب دیگر مرتبط به این مقوله ها پژوهش انجام خواهیم داد.

### مطلب اول: باور به پروردگار جهان و صفات او تعالی

از لابه لای مطالعات خود در کلیات اقبال متوجه این امر شدم که او با شیوه ای دلپذیر با پروردگار خود وارد یک مناجات و گفتگو می شود، گاه لب به شکوه می گشاید؛ از حال مسلمانان زمان خویش به او تعالی شکایت می برد و عامل بدبختی آنها را در سستی ایمان و باورهای شان می داند؛ از اینرو به سوی پروردگار خود دست نیایش بلند کرده از او تعالی می خواهد که برای او و همه مسلمانان ایمانی راستین ارزانی دارد؛ ایمانی مانند ایمان ابراهیم؛ ایمانی که او را کمک کند تا در برابر سختی ها باقامتی استوار بایستد، و می خواهد که بدیشان توفیق پیروی از دستورات او تعالی ارزانی دارد. شاعر در دو بیت زیر به داستان در آتش افکندن ابراهیم علیه السلام اشاره داشته می گوید:

رهروان را منزل تسلیم بخش      قوت ایمان ابراهیم بخش<sup>۱</sup>

همچو شبنم دیده ی گریان شدم      تا امین آتش پنهان شدم<sup>۲</sup>

اقبال در بیت های بالا از داستان حضرت ابراهیم علیه السلام متأثر است. حضرت ابراهیم، در دو موقف در برابر دستورات پروردگار خویش چنان تسلیم گردید که هیچ تردید و تأخیری در اجرای اوامر او تعالی نشان نداد: یکی موقعی بود که در جوانی به دستور الهی بتهای قوم خود را شکستاند، در حالی که می دانست شکستادن بتهای معنایش دشمنی با همه بت پرستان است و آنها در برابرش خاموش نخواهند

<sup>۱</sup> - اسرار خودی، ص ۵۳.

<sup>۲</sup> - اسرار خودی، ص ۵۳.

ماند و کیفر کارش را خواهند داد، و همانطور هم شد که آنها هیزم جمع کرده او را به آتش افکندند، با آنها در موقفش هیچ تغییری نیاورد و از کرده خود پشیمان هم نبود. موقف دوم آنکه به هنگام پیری خداوند متعال او را بار دیگر آزمود، و به او از طریق رؤیا دستور داد که فرزندش اسماعیل را ذبح کند، او هم بدون درنگ به اجرای امر پروردگار اقدام کرد و نتیجه آن شد که خداوند از آسمان قوچی را فرود آورد و دستور داد که به جای فرزندش، آن قوچ را ذبح کند. آیه ای که موقف نخست حضرت ابراهیم را بازتاب داده چنین است: «قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ ، قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ»<sup>۳</sup> درموقف دوم الله متعال فرموده است: «وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ وَقَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ»<sup>۴</sup>. در بیت اول مفهوم آیت زیر نیز تبلور یافته است که او تعالی فرموده است: « قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءٌ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ»<sup>۵</sup>

### نشانه های قدرت پروردگار در جهان هستی

اقبال در جاهای متعددی از کلیات خویش به مظاهر قدرت الله متعال در هستی اشاره می کند، چنانکه در ابیات زیر گفته است:

|                             |                            |
|-----------------------------|----------------------------|
| ای ز رویت ماه و انجم مستنیر | آتش خود را زجانم بازگیر    |
| این امانت بازگیر از سینه ام | خار جوهر بر کش از آئینه ام |
| یا مرا یک همدم دیرینه ده    | عشق عالم سوز را آئینه ده   |
| موج در بحر است هم پهلوی موج | هست با همدم تپیدن خوی موج  |
| بر فلک کوکب ندیم کوکب است   | ماه تابان سر بزانوی شب است |
| روز پهلوی شب یلدا زند       | خویش را امروز بر فردا زند  |
| هستی جویی به جویی گم شود    | موجه ی بادی ببویی گم شود   |

<sup>۳</sup> - الانبیاء، آیت ۶۸-۶۹.

<sup>۴</sup> - سوره الصافات، آیت ۱۰۴-۱۰۷.

<sup>۵</sup> - سوره الممتحنة، آیه: ۴.

هست در هر گوشه ی ویرانه رقص

می کند دیوانه با دیوانه رقص

گرچه تو در ذات خود یکتاستی

عالمی از بهر خویش آراستی<sup>۶</sup>

اقبال در بیت نخست به این امر اشاره دارد که جهان هستی روشنایی خود را از الله متعال یافته است و به جای جهان از ماه و انجم یاد کرده است، و منظور او از واژه «امانت» در بیت دوم رسالت خلافت الله متعال در روی زمین است. در واقع اقبال از هم کیشان یا هم میهنان خویش دل آزرده است؛ لذا از پروردگار خویش می خواهد که یا برایش همسفرانی راستگو و درستکار ارزانی کند و یا این امانت بزرگ را از دوشش برگیرد تا احساس سنگینی نکند. اقبال در چندین بیت بالا به جفت بودن و همطراز بودن نوع بشری یا طبیعت اشاره کرده چنانکه در بیت پایانی به یکتایی و یگانگی او تعالی اشاره نموده است. در حقیقت ابیات فوق از چندین آیت قرآنی متأثر است که به چندی از آن اشاره می کنیم:

«اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»<sup>۷</sup> و «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»<sup>۸</sup> «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ»<sup>۹</sup> و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ»<sup>۱۰</sup> و «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ»<sup>۱۱</sup>، و بر علاوه آیات فوق آیات متعدد دیگری نیز مفهوم ابیات فوق را تأیید می کنند که این شاعر بزرگوار در هنگام نگارش ابیات بدانها نظر داشته است.

ابیات زیر نیز اشاره به پدیده های قدرت عظیم الهی داشته و به نزدیکی او تعالی به بندگان دلالت دارند:

<sup>۶</sup> - اسرار خودی، ص ۵۴.

<sup>۷</sup> - سوره النور، آیت ۳۵.

<sup>۸</sup> - سوره الذاریات، آیت ۴۹.

<sup>۹</sup> - سوره التغابن، آیت ۳.

<sup>۱۰</sup> - سوره الاخلاص، آیت ۲ و ۱.

<sup>۱۱</sup> - سوره الزمر، آیت ۵.

از مشت غبار ما صد ناله بر انگیزی  
نزدیک تر از جانی با خوی کم آمیزی

در موج صبا پنهان دزدیده بباغ آئی  
در بوی گل آمیزی با غنچه در

مغرب ز تو بیگانه مشرق همه افسانه  
وقت است که در عالم نقش دگر

انگیزی<sup>۱۲</sup>

جالب آن که، اقبال در خطاب به الله متعال شیوه ای ویژه به کار گرفته است؛ او در مناجات خود با خداوند پاک تعبیراتی دارد که انگار دوستی صمیمی برای دوست خود نامه می نویسد، با انس دوستانه و گفتگوی عزیزانه محاوره می کند، گاهی قهر می کند و لب به شکوه و گله می گشاید و گاهی دیگر به درگاه او تعالی عرض طلب دارد. به هر حال، یکی از آیاتی که مفهوم آن در ابیات بالا بازتاب یافته آیت زیر است: «إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»<sup>۱۳</sup> البته این آیت و با عباراتی همانند در بیشتر از سی جای قرآن کریم تکرار شده است. همچنان به معنای آیت زیر اشاره شده است: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ»<sup>۱۴</sup> و آیت زیر: «لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ»<sup>۱۵</sup> و «رَبِّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ»<sup>۱۶</sup>

اقبال در یک شعر ترکیب بند<sup>۱۷</sup> خود با پرودگار خویش مناجات می کند، و در قسمتی از آن به قدرت لایزال الهی اعتراف می نماید و او تعالی را قادر مطلق می خواند و فضل همه نعمات و امکانات پیدا و پنهان را به او تعالی باز می گرداند، چنانچه در ابیات زیر می خوانیم:

مرغ خوش لهجه وشاهین شکاری از تست  
زندگی را روش نوری و ناری از تست

<sup>۱۲</sup> - زیور عجم، ص ۱۱۸.

<sup>۱۳</sup> - سوره بقره، آیت ۲۰.

<sup>۱۴</sup> - سوره ق، آیت ۱۶.

<sup>۱۵</sup> - سوره مائده، آیت ۱۲۰.

<sup>۱۶</sup> - سوره هود، آیت ۱۰۷.

<sup>۱۷</sup> - ترکیب بند شعری است که مرکب از چند بخش بوده و بیت اول هر بخش، مصرع است و همه بیت ها در تمام شعر هم وزنند و هر بخش قافیه مستقلی دارد و در پایان هر بخش، بیتی با قافیه متفاوت از بقیه بخش ها آورده می شود. (فرهنگ بزرگ سخن، حسن انوری، ط ۱۳۸۱ هـ، تهران ایران، ج ۳ ص ۱۷۱۲).

دل بیدار و کف خاک و تماشای جهان  
سیر این ماه بشب گونه‌ی معماری از تست

همه افکار من از تست چه در دل چه بلب  
گهر از بحر بر آری نه برآری از تست

من همان مشت غبارم که بجائی نرسد  
لا له از تست و نم ابر بهاری از تست

نقش پرداز توئی ما قلم افشانیم  
حاضر آرائی و آینده نگاری از تست

گله‌ها داشتیم از دل بزبانم نرسید  
مهر و بی مهری و عیاری و یاری از تست<sup>۱۸</sup>

ابیات فوق به چندین آیت از آیات قرآنی اشاره دارند، مانند: «وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»<sup>۱۹</sup> و «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ»<sup>۲۰</sup> و «اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَصَوَّرَكُم فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ ذَلِكَمُ اللَّهُ رَبُّكُم فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ»<sup>۲۱</sup> و «وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بُضْرًا فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمْسَسْكَ بَخِيرٍ فَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ»<sup>۲۲</sup>

در معنای آیات فوق بیتی دیگر از اقبال آمده است:

ای خدا! ای نقشبند جان و تن!  
با تو این شوریده دارد یک سخن<sup>۲۳</sup>

اقبال در قسمتی از کتاب «جاویدنامه» خود در سفر به عالم افلاک زیر عنوان «مسافر را بسیاحت عالم علوی می برد» ابیاتی را ذکر می کند و در آنها وانمود می کند که در این سفر به جایی رسید که از

<sup>۱۸</sup> - زیور عجم، ص ۱۲۵-۱۲۶.

<sup>۱۹</sup> - سوره بقره، آیت ۲۴۷.

<sup>۲۰</sup> - سوره آل عمران، آیت ۲۶-۲۷.

<sup>۲۱</sup> - سوره غافر، آیت ۶۴.

<sup>۲۲</sup> - سوره الانعام، آیت ۱۷ و ۱۸.

<sup>۲۳</sup> - مسافر، ص ۴۲۵.

میان ابرها دو فرشته پایین شدند و در نتیجه گفتگو با آنها یکی از فرشتگان مطالب ابیات زیر را به شاعر القاء کرد:

|                             |                                         |
|-----------------------------|-----------------------------------------|
| من حیاتم، من مماتم، من نشور | من حساب و دوزخ و فردوس و حور            |
| آدم و افرشته در بند من است  | عالم شش روزه فرزند من است <sup>۲۴</sup> |

هرچند که ابیات بالا در «جاوید نامه» به زبان فرشته بیان شده ولی در آن صفات الهی نهفته است که چنین قدرتی را جز الله متعال کس دیگری ندارد. در ابیات فوق مفاهیم آیات قرآنی ذیل نهفته است: «وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ»<sup>۲۵</sup> و «وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ»<sup>۲۶</sup>، و «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ»<sup>۲۷</sup>

اقبال در ابیات زیر به نشانه های قدرت الله متعال اشاره می کند و تأکید میدارد که هیچ کاری بدون خواست او تعالی انجام نمی پذیرد. اگر خداوند متعال بخواهد خوار را ارجمند می سازد، ناکام را کامیاب می گرداند، مشکل را آسان می سازد، انسان در بند را آزاد می گرداند، اندوهگین را شادمان می سازد. پس بندگان باید خود را در سایه مهر او تعالی قرار دهند تا به آرزوهای دست نیافتنی شان برسند.

|                               |                                       |
|-------------------------------|---------------------------------------|
| دین از او حکمت ازو آئین از او | زور از او قوت از او تمکین از او       |
| عالمان را جلوه اش حیرت دهد    | عاشقان را بر عمل قدرت دهد             |
| پست اندر سایه اش گردد بلند    | خاک چون اکسیر گردد ارجمند             |
| قدرت او بر گزیند بنده را      | نوع دیگر آفریند بنده را <sup>۲۸</sup> |

<sup>۲۴</sup> - جاوید نامه، ص ۱۸۵.

<sup>۲۵</sup> - سوره الانعام، آیت ۶۱.

<sup>۲۶</sup> - سوره الحجر، آیت ۲۳.

<sup>۲۷</sup> - سوره الاعراف، آیت ۵۴.

<sup>۲۸</sup> - رموز بیخودی، ص ۶۳.

بر ابیات بالا تأثیر چندین آیت نمایان است، مانند: «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»<sup>۲۹</sup> و «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ»<sup>۳۰</sup> و «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»<sup>۳۱</sup>

### عزت و ذلت از طرف پروردگار است:

اقبال از لا بلای یک گفتگو و راز و نیاز معنوی و روحی با حضرت محمد پیامبر بزرگ اسلام - صلی الله علیه و سلم - آن حضرت را مخاطب قرار داده می گوید: به سبب احسان و نیکی ای که در حق بندگان کردی خیلی از ناکسان به بلندای عزت و بزرگی صعود کردند، از گمنامی و بی مایگی و تنگدستی به شهرت و ثروت و مقام رسیدند. استادی و رهنمایی تو برای برای همه گان کافیست، اگر دعای تو نبود من به هیچ خیری دست نمی یافتم.

ای که از احسان تو ناکس کس است یک دعایت مزد گفتارم بس است<sup>۳۲</sup>

در بیت بالا به آیت قرآنی زیر اشاره رفته است: «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»<sup>۳۳</sup>

### الله متعال از شهرگ ما به ما نزدیکتر است:

اقبال در سیاق نقد اجتماعی از گروه صوفیه خود بزرگ بین و خود ستا با عباراتی نغز و دلنشین می گوید:

مریدی فاقه مستی گفت با شیخ که یزدان را ز حال ما خبر نیست

<sup>۲۹</sup> - سوره بقره، آیت ۱۱۷.

<sup>۳۰</sup> - سوره انعام، آیت ۷۳.

<sup>۳۱</sup> - سوره آل عمران، آیت ۲۶.

<sup>۳۲</sup> - خلاصه مثنوی، ص ۱۱۴.

<sup>۳۳</sup> - سوره آل عمران، آیت ۲۶.

به ما نزدیک تر از شهرگ ماست

ولیکن از شکم نزدیک تر نیست<sup>۳۴</sup>

در بیت فوق به آیت زیر اشاره است: « وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ »<sup>۳۵</sup>

### مطلب دوم: قرآن کتابی بی همتا و هدایتگر

اقبال در جای جای کلیات خود در باره قرآن به عنوان کتاب هدایتگر یا آور شده است، یکی از جاهایی که قدری مفصل در باره اش بیان داشته ابیاتی است که در دیوان جاویدنامه به زبان سید جمال الدین بیان داشته است.

نقش قرآن تا درین عالم نشست

نقشهای کاهن و پاپا شکست

فاش گویم آنچه در دل مضمّر است

این کتابی نیست چیزی دیگر است

چون بجان در رفت جان دیگر شود

جان چو دیگر شد جهان دیگر شود

مثل حق پنهان و هم پیداست این

زنده و پاینده و گویاست این

اندرو تقدیر های غرب و شرق

سرعت اندیشه پیدا کن چو برق

با مسلمان گفت جان بر کف بنه

هر چه از حاجت فزون داری بده<sup>۳۶</sup>

در ابیات بالا مفاهیم آیات متعددی به کار رفته است از جمله: « إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ »<sup>۳۷</sup> و « وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَى مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ »<sup>۳۸</sup>. و در آیت دیگری نیز آمده است: « اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ »<sup>۳۹</sup>

<sup>۳۴</sup> - ارمغان حجاز، ص ۴۳۶.

<sup>۳۵</sup> - سوره ق، آیت ۱۶.

<sup>۳۶</sup> - جاوید نامه، ص ۳۱۷.

<sup>۳۷</sup> - سوره مائده، آیت ۹.

<sup>۳۸</sup> - سوره یونس، آیت ۳۷.

<sup>۳۹</sup> - سوره الزمر، آیت ۲۳.

و در بیت اخیر به مفهوم جهاد و فداکاری از یکسو و به مفهوم خرج کردن در راه خدا از سوی دیگر اشاره شده است، مانند: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ»<sup>۴۰</sup> «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ»<sup>۴۱</sup> و «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ»<sup>۴۲</sup>.

**مطلب سوم: شخصیت، جایگاه و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم:**

اقبال شیفته و عاشق پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - بود؛ از همین روی در جای جای کلیات خود به شخصیت و جایگاه بلند و پر عظمت آن حضرت اشاره کرده است. در بیت زیر با تأثر از آیت قرآنی: (وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ)<sup>۴۳</sup> یعنی: و تو دارای خوی سترگ (صفات نیکو و اخلاق پسندیده) هستی.

نسخه ی کونین را دیباچه اوست جمله عالم بندگان و خواجه اوست<sup>۴۴</sup>

بیت بالا، علاوه بر تأثر از آیت قرآنی یاد شده، از بعضی احادیث نیز متأثر می باشد، مانند حدیث زیر: "أنا سيد ولد آدم"<sup>۴۵</sup>. در بیت فوق مفهوم حدیثی باز تاب یافته است که شمار زیادی از متخصصان آن را موضوع (جعلی) خوانده اند، ولی آوردن مفهوم آن از طرف اقبال نشان دهنده عدم رسوخ قدم او در علم حدیث است. و آن حدیث عبارت است از: «لو لاک لولاک لما خلقت الأفلاك»<sup>۴۶</sup> می باشد.

<sup>۴۰</sup> - سوره بقره، آیت ۲۰۷.

<sup>۴۱</sup> - سوره بقره، آیت ۱۵۴.

<sup>۴۲</sup> - سوره آل عمران، آیت ۹۲.

<sup>۴۳</sup> - سوره قلم، آیت ۴.

<sup>۴۴</sup> - دیوان اسرار خودی، ص ۱۷.

<sup>۴۵</sup> - الکوثر الجاری إلى ریاض أحادیث البخاری، أحمد بن إسماعیل بن عثمان بن محمد الکوثرانی الشافعی ثم الحنفی، تحقیق: الشیخ أحمد عزو

عنایة، دار إحياء التراث العربی، بیروت - لبنان، ط: ۱، ۱۴۲۹ هـ - ۲۰۰۸ م، ج ۵ ص ۹۵.

<sup>۴۶</sup> - كشف الخفاء ومزيل الالباس عما اشتهر من الاحادیث علی ألسنة الناس، تألیف: العجلونی، إسماعیل بن محمد الجراحی، دار إحياء التراث

العربی، ج ۲ ص ۱۶۴.

اقبال در بیت زیر به عشق خدا و محبت رسول الله -صلی الله علیه وسلم- تأکید کرده راز پیروزی مؤمنان را در پیروی از سنت و سیرت آن حضرت می داند و مخاطبانش را فرا می خواند تا پیمان خویش با پیامبر -صلی الله علیه وسلم- را تجدید کنند.

طرح عشق انداز اندر جان خویش تازه کن با مصطفی پیمان خویش<sup>۴۷</sup>

در بیت فوق به آیت قرآنی زیر اشاره است: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»<sup>۴۸</sup> و «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»<sup>۴۹</sup>

اقبال در باره جایگاه پیامبر اسلام -صلی الله علیه وسلم- در نزد پروردگار می گوید:

تابع حق دیدنش نا دیدنش خوردنش نوشیدنش خوابیدنش

در رضایش مرضی حق گم شود این سخن کی باور مردم شود<sup>۵۰</sup>

در ابیات بالا بازهم مفهوم همان دو آیت فوق وارد شده است.

قال را بگذار و باب حال زن نور حق بر ظلمت اعمال زن

در قبای خسروی در ویش زی دیده بیدار و خدا اندیش زی<sup>۵۱</sup>

در دو بیتی که در بالا ذکر گردید به آیات قرآنی زیر اشاره شده است: (قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ)<sup>۵۲</sup> و (الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ

---

<sup>۴۷</sup> - رموز بی خودی، ص ۵۵.

<sup>۴۸</sup> - سوره آل عمران، آیت ۳۱.

<sup>۴۹</sup> - سوره احزاب، آیت ۲۱.

<sup>۵۰</sup> - اسرار خودی، آیت ۴۳.

<sup>۵۱</sup> - اسرار خودی، ص ۴۳.

<sup>۵۲</sup> - سوره الانعام، آیت ۱۶۲.

وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ<sup>۵۳</sup> وَفَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ<sup>۵۴</sup>

اقبال در بیت زیر باز هم به جایگاه آن حضرت اشاره داشته می گوید:

ای تراحق خاتم اقوام کرد  
بر تو هر آغاز را انجام کرد<sup>۵۵</sup>

در این بیت به آیت قرآنی زیر اشاره شده است: « مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّنْ رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا »<sup>۵۶</sup>

توصیف مهربانی شگفت انگیز پیامبر

از لایه لای مطالعه در کلیات علامه اقبال به ابیاتی برخوردیم که سیما و شخصیت پیامبر اکرم – صلی الله علیه وسلم – را بازتاب داده چنانچه در ابیات زیر می خوانیم:

لطف وقهر او سرا پا رحمتی  
آن بیاران این به اعدا رحمتی

آن که بر اعدا در رحمت گشاد  
مکه را پیغام لا تثریب داد<sup>۵۷</sup>

بیت فوق به ویژه در فرد دوم بیت اول به آیت زیر اشاره دارد: (وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ)<sup>۵۸</sup>. به نظر بنده در فرد اول بیت نخست به آیتی دیگر اشاره شده است، که می فرماید: (مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ)<sup>۵۹</sup> همان گونه که در بیت دوم به موقف پیامبر در برابر مردم مکه بعد از فتح اشاره شده است، که آنحضرت در میان مردم قریش برخاسته ایراد سخن فرمود و در

---

<sup>۵۳</sup> - سوره آل عمران، آیت ۱۹۱.

<sup>۵۴</sup> - سوره البقره، آیت ۱۵۲.

<sup>۵۵</sup> - رموز بی خودی، ص ۵۵.

<sup>۵۶</sup> - سوره الأحزاب، آیت ۴۰.

<sup>۵۷</sup> - اسرار خودی، ص ۱۶.

<sup>۵۸</sup> - سوره انبیاء، آیت ۱۰۷.

<sup>۵۹</sup> - سوره فتح، آیت ۲۹.

نهایت همه آنها را مشمول عفو قرار داد<sup>۶۰</sup> و به موقف حضرت یوسف بن یعقوب علیهما السلام<sup>۶۱</sup> در برابر برادران ستمگر وحسد پیشه اش، اشاره نموده است.

### اسلام واپسین دین الهی و رسالت حضرت محمد و واپسین رسالت آسمانی:

اقبال در دو بیت زیر به این موضوع تأکید کرده که اسلام واپسین دین الهی در روی زمین و رسالت حضرت محمد صلی الله علیه وسلم آخرین رسالت می باشد، چنانکه گفته است:

پس خدا بر ما شریعت ختم کرد  
بر رسول ما رسالت ختم کرد

رونق از ما محفل ایام را  
او رسل را ختم و ما اقوام را<sup>۶۲</sup>

اقبال در ابیات بالا از آیات متعددی متأثر است، مانند: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»<sup>۶۳</sup> و «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا»<sup>۶۴</sup> و «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ»<sup>۶۵</sup>

در کنار آنکه اقبال به خاتمیت رسالت حضرت پیامبر اشاره کرده در واقع بر اندیشه قادیانیت که در آن زمان تازه در شبه قاره هند رشد کرده و در حال انتشار بود، نیز رد کرده است؛ زیرا غلام احمد قادیانی<sup>۶۶</sup> به اشاره استعمار انگلیس آئین نوی را بنیاد نهاد و پیامبری را خاتمه نیافیه اعلان کرد و خود هم ادعای پیامبری نمود. دانشمندان مخلص و خداجوی شبه قاره هند همه یکصدا شده در برابر چرنديات او

<sup>۶۰</sup> - الرحيق المختوم. صفی الرحمن المبارکفوری، (1988م)، ط 6، دارالديان للتراث، القاهرة- مصر، ص 480-481، والسيرۃ النبویۃ، لعلی محمد

محمد الصلابی، ط 2، دارابن کثیر للطباعة والنشر، دمشق-سوریۃ، ج 2 ص 408

<sup>۶۱</sup> - سوره یوسف، آیت 92.

<sup>۶۲</sup> - رموز بیخودی، آیت 70.

<sup>۶۳</sup> - سوره المائدہ، آیت 3.

<sup>۶۴</sup> - سوره الاحزاب، آیت 40.

<sup>۶۵</sup> - سوره آل عمران، آیت 110.

<sup>۶۶</sup> - الموسوعة الميسرة في الأديان والمذاهب والأحزاب المعاصرة (1418هـ)، د. مانع بن حماد الجهني، ط 3، دار الندوة العالمية للنشر والتوزيع،

الرياض - المملكة العربية السعودية، ج 1 ص 419-423

ایستادند و خودش را تکفیر نمودند، علامه اقبال نیز یکی از آن دانشمندان است که به دفاع از دین مقدس اسلام برخاست.

اقبال در ابیات زیر بر این امر اشاره دارد که مسلمانان به سبب ایمان به الله و قبولی رسالت پیامبر اسلام -صلی الله علیه وسلم- در نزد او تعالی هم جایگاه بلند یافتند. در ابیات می خوانیم:

حق تعالی پیکر ما آفرید \_\_\_\_\_ و ز رسالت در تن ما جان دمید

حرف بی صوت اندرین عالم بدیم \_\_\_\_\_ از رسالت مصرع موزون شدیم

از رسالت در جهان تکوین \_\_\_\_\_ از رسالت دین ما آئین \_\_\_\_\_

از رسالت صد هزار ما یک است \_\_\_\_\_ جزو ما از جزو ما لا ینفک است

آن که شأن اوست بیهی من یرید \_\_\_\_\_ از رسالت حلقه گرد ما کشید<sup>۶۷</sup>

ابیات بالا به آیات قرآنی زیر اشاره دارند: « قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ »<sup>۶۸</sup> و « إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ »<sup>۶۹</sup> و « وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ »<sup>۷۰</sup> و « الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا »<sup>۷۱</sup>.

#### مطلب چهارم: باور به روز باز پسین و تأثیر آن بر زندگانی بندگان

اقبال در ابیاتی از کلیات خود بر باور راستین به زندگی اخروی تأکید می کند و بر آن است که زندگی این جهانی به زندگی در آخرت رابطه تنگاتنگ دارد. انسان که در این جهان زندگی می کند باید نگاهش را به آخرت نیز بدوزد؛ زیرا خوشی و ناخوشی انسان در آخرت، رستگاری و ناکامی اش در آن روز بستگی به زندگی وی در این جهان دارد، اگر راه خیر و نیکی را انتخاب کند در آخرت رستگار می شود و

<sup>۶۷</sup> - رموز بیخودی، ص ۶۸-۶۹.

<sup>۶۸</sup> - سوره هود، آیت ۶۱.

<sup>۶۹</sup> - سوره الحجرات، ۱۰.

<sup>۷۰</sup> - سوره آل عمران، آیت ۸۵.

<sup>۷۱</sup> - سوره المائده، آیت ۳.

مستحق بهشت می گردد و اگر راه زشت و گمراهی را برگزیند، ناکام و بد بخت شده و مستحق جهنم می گردد. بینی که در زیر می خوانیم این معنا و مفهوم را به خوبی بازتاب داده است.

آن جهانی که درو کاشته را می دروند      نور و نارش همه از سبحة و زنار من است<sup>۷۲</sup>

اقبال در معنای بیت بالا به مفهوم آیات متعددی نظر داشته است که به نقل چندی از آنها بسنده می شود، مانند: «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ»<sup>۷۳</sup> و «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحِزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ»<sup>۷۴</sup> و «فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ، وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ»<sup>۷۵</sup>

### مطلب پنجم: باور به تقدیر خیر وشر

اقبال انسانی دیندار و مؤمن به تقدیر خیر وشر است؛ ولی فهم و برداشت اقبال از تقدیر این نیست که به بهانه تقدیر، تسلیم دشمن شود و برای رهایی از استعمار و پیروی آن، کاری نکند. از همین روی، او احوال مسلمانان را به مذاقه گرفته و آنها را به انقلاب و مبارزه و ایستادگی در برابر استعمار فرا می خواند، در ذهن آنها این باور را تقویت می کند که اگر ایستادگی کنند و راه مبارزه را در پیش گیرند، روزی فرا خواهد رسید که این تیره روزها دیگرگون شود، و بد بختی و نابرابری و فرودستی به بالادستی و پیروزی و شکوه مبدل گردد.

فروغ خاکیان از نوریان افزون شود روزی      زمین از کوب تقدیر ما گردون شود روزی

خیال ما که او را پرورش دادند طوفان ها      زگرداب سپهر نیلگون بیرون شود روزی

یکی در معنی آدم نگر از من چه می پرسی      هنوز اندر طبیعت می خلد موزون شود  
روزی<sup>۷۶</sup>

<sup>72</sup> - زبور عجم، ص ۱۲۲.

<sup>73</sup> - سوره آل عمران، آیت ۳۰.

<sup>74</sup> - سوره آل عمران، آیت ۱۸۵.

<sup>75</sup> - سوره المؤمنون، آیت ۱۰۲-۱۰۳.

<sup>76</sup> - زبور عجم، ص ۱۵۰.

شاعر در ابیات بالا به آیات زیر اشاره کرده است، مانند: « فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ<sup>۷۷</sup> » وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ<sup>۷۸</sup> «وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا<sup>۷۹</sup>» إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ<sup>۸۰</sup> «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا<sup>۸۱</sup>»

---

<sup>77</sup> - سوره هود، ۴۹.

<sup>78</sup> - سوره البقره، آیت 117.

<sup>79</sup> - سوره الفرقان، آیت 2.

<sup>80</sup> - سوره القمر، آیت 50؛ 49.

<sup>81</sup> - سوره النور، آیت 55.

## مبحث دوم

### مفاهیم اخلاقی

#### مطلب اول: اخوت و صلح خواهی

دین مبین اسلام اساس استواری برای برادری در میان پیروانش است، همه آنانی که مسلمانند و در هر گوشه ای از روی زمین زیست دارند، به جهت وحدت ایمان و مؤمن به شان با هم برادر می گردند. این پیوند برادری میان پیروان اسلام در غرب و شرق جهان ایجاد الفت و بهم پیوستگی می کند و علی رغم اختلاف مکانی و زمانی از آنان یک وحدت مستحکم و بنیان استوار می سازد که بنای رفیع آن از گردباد انحراف و تفرقه آسیب نمی بیند. هر اندازه احساس برادری در میان مسلمانان محکم تر باشد، به همان پیمانه احساس قوت و نیرومندی می کنند و هرگاه یک گروه از آنها از سوی دشمنان اسلام مورد تهاجم و ستم قرار گیرد مسلمانان دیگر تماشاگر ننشسته بلکه بخاطر نجات آنها اقدام به کمک می کنند.<sup>۸۲</sup> همین احساس، مسلمان را وامیدارد که در خوشی و اندوه مسلمانان دیگر شریک باشد؛ هرگاه به همکاری مادی یا معنوی نیاز داشتند به کمک شان بشتابد و از هیچ تلاشی برای رهایی برادران مسلمان خویش دریغ نکند. این مفاهیم در آیات واحادیث فراوانی بازتاب داشته است. علامه اقبال لاهوری این مفاهیم را در منابع و آموزه های اسلام به خوبی خوانده و ادراک نموده است. از همین روی در جاهای گوناگون کلیات خود به وحدت و یکپارچگی فراخوانده و از اختلاف و چنددستگی بیم داده است. اقبال با اتکاء به درک ژرف از مفاهیم قرآن کریم و کلام پاک سید المرسلین، مسلمانان عصر خود را که در اختلاف غوطه ور بودند و هستند و دشمن از وضع رقبتبار ایشان استفاده کرده آنها را به نحو فجیعانه لگدمال کرده بود، به وحدت و برادری و صلح جویی فراخوانده است. به طوری که در ابیات زیر می خوانیم:

نغمه ی خود را بهشت گوش کن

شورش اقوام را خاموش کن

جام صهبای محبت باز ده

خیز و قانون اخوت ساز ده

جنگجویان را بده پیغام صلح<sup>۸۳</sup>

باز در عالم بیار ایام صلح

<sup>۸۲</sup> - اخلاق اسلامی، محمد غزالی، ترجمه داکتر محمود ابراهیمی، نشر احسان، چاپ ۱، تهران- ایران، ص ۲۸۶.

<sup>۸۳</sup> - اسرار خودی، ص ۳۳.

در ابیات بالا به کارنامه پیامبر اسلام - صلی الله علیه و سلم - در عرصه صلح خواهی و ایجاد محبت در میان اقوام مختلف و گروه های گوناگون اشاره است. آیاتی که با معنا و مفهوم ابیات بالا همخوانی دارند قرار ذیل اند: (وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ، وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ، وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ)<sup>۸۴</sup> (وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ)<sup>۸۵</sup>

### مطلب دوم: انحراف اخلاقی دینمداران از جاده اسلام راستین

اقبال بر آن است که تعداد زیادی از دعوتگران به سوی اسلام، خود دیندار نیستند، بلکه دین را به حیث مال التجاره بکار میگیرند، و به نرخ روز فتوی می دهند، از همین روی به جای آنکه ایشان برای مردم الگوی هدایت باشند وسیله گمراهی اند. این گونه نقدها در آثار ادبی تاریخ اسلام زیاد دیده می شود. از آثار ادبی ای که در زبان عربی به نقد جامعه از واعظان وعالمان بی عمل توجه کرده هنر مقامات است که از بهترین نمونه های آن مقامات بدیع الزمان همدانی وحریری می باشند<sup>۸۶</sup>، اما در شعر فارسی نیز نمونه های نقد جامعه در اشعار ناصر خسرو قبادیانی ، سنائی غزنوی وحافظ شیرازی<sup>۸۷</sup> نیز به کثرت دیده می شود. اقبال در ابیات زیر بر واعظان ومفتیانیه که در نقش رهبری دینی جامعه قرار دارند می تازد، هدف او از این انتقاد مبارزه با دینداران و دینداری است که به شدت دچار آفت ریا و نفاق شده بودند. او می دید کسانی که دم از مسجد می زنند و تسبیح در دست دارند، در واقع ریا کارانی هستند که «چون به خلوت می روند آن کار دیگر می کنند».

واعظ ما چشم بر بتخانه دوخت      مفتی دین مبین فتوی فروخت

چیست یاران بعد ازین تدبیر ما      رخ سوی میخانه دارد پیر ما<sup>۸۸</sup>

<sup>۸۴</sup> - سوره آل عمران، آیت ۱۰۳-۱۰۴.

<sup>۸۵</sup> - سوره انفال، آیت ۶۱.

<sup>۸۶</sup> - رک فن المقامات وفن الموشحات، پوهنوال دکتور عبدالصبور فخری، (۱۴۰۱ش)، انتشارات سعید، کابل افغانستان، ۹۷-۱۰۲.

<sup>۸۷</sup> - دیوان حکیم سنائی، به کوشش داکترمظاهر مصفا (۱۳۸۹ش) ط ۲، انتشارات زوار، تهران- ایران، ص ۱۰۹.

<sup>۸۸</sup> - اسرار خودی، ص ۴۹.

در ابیات فوق مفاهیم آیات قرآنی زیر به کار رفته است: « وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا »<sup>۸۹</sup> و « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ »<sup>۹۰</sup>.

با آنکه علامه اقبال در ابیات فوق به طور کامل از حافظ شیرازی متأثر است، و ابیات او را با اندکی دخل و تصرف در دیوان خود آورده است؛ ولی همان ابیات حافظ شیرازی هم از آیات فوق متأثر بوده است. در دیوان حافظ آمده است:

دوش از مسجد سوی میخانه آمد پیر ما      چیست یاران طریقت بعد از این تدبیر ما  
ما مریدان روی سوی قبله چون آریم چون      روی سوی خانه خمار دارد پیر ما<sup>۹۱</sup>

گذشته از نقدی که اقبال و حافظ از واعظان بی عمل و دعوتگران دنیا دوست داشته اند در بسیاری از کتب عرفانی نیز به این امر توجه شده وعده ای از مؤلفین مخلص از مخالفت کردار با گفتار بیم داده اند. از دانشمندان معاصر داکتر عبدالکریم زیدان در کتاب « اصول دعوت »<sup>۹۲</sup> و عبد الحمید بلالی در کتاب « المصطفی من صفات الدعاة »<sup>۹۳</sup> بر این امر تأکید کرده اند.

**مطلب سوم: اظهار پشیمانی از کرده های زشت و ابراز شکوه از خویشتن:**

اقبال در ابیات دعائی و نیایشی خویش، از تنهایی در راه مبارزات اسلامی خود رنج می برد و گمان می کند که در حق خود ظلم و ستم روا داشته، از این رو تنها مانده است. این در واقع نوعی از شکوه و مناجات هم است.

در جهان یا رب ندیم من کجاست      نخل سینایم کلیم من کجاست  
ظالمم بر خود ستم ها کرده ام      شعله ئی را در بغل پرورده ام<sup>۹۴</sup>

---

<sup>۸۹</sup> - سوره الفرقان، آیت ۳۰.

<sup>۹۰</sup> - سوره الصف، آیت ۲.

<sup>۹۱</sup> - دیوان حافظ شیرازی، ص ۷، انتشارات سفیر صبح، چاپ ۱۳۹۲ هـ - تهران - ایران.

<sup>۹۲</sup> - اصول دعوت، عبدالکریم زیدان، ترجمه مومن حکیمی، مرکز ترجمه اصلاح، چاپ ۱، کابل - افغانستان، ص ۴۷۸.

<sup>۹۳</sup> - المصطفی من صفات الدعاة، ط ۴، دار الدعوة، الكويت، ج ۱ ص ۲۵.

<sup>۹۴</sup> - اسرار خودی، ص ۵۳.

در ابیات بالا به معنای آیات قرآنی زیر اشاره شده است: «قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»<sup>۹۵</sup> و «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا»<sup>۹۶</sup> در ارتباط به آیت نخست، اقبال از ستم بر نفس خویش، به صراحت یاد کرده است؛ ولی اشاره او به کل داستان حضرت موسی است؛ زیرا که آیت فوق یکی از آیاتی است که در داستان حضرت موسی کلیم وارد شده است و اقبال در بیت قبلی نیز نام او را بیان داشته است. بیت دومی به این امر اشاره دارد که انسان در اثر نادانی و نا عاقبت اندیشی مرتکب اعمالی می شود که خود را در زحمت می افکند. در این بیت به مفهوم آیتی اشاره شده است که در بالا نقل کردیم که حمل امانت الهی است.

### مطلب چهارم: اخلاص و یک سوئی راز پیروزی مسلمان:

اقبال بر آن است که باید شخص مسلمان از دو رنگی و نفاق خود داری کرده در راه اسلام یکسو و یک رنگ شود، واز سوئی هم رابطه اش را با قرآن استوار گرداند. در بیت زیر می خوانیم:

از یک آیینی مسلمان زنده است      پیکر ملت زقرآن زنده است<sup>۹۷</sup>

بیت بالا به آیات زیر اشاره دارند: «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ»<sup>۹۸</sup> و «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ»<sup>۹۹</sup> و «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا»<sup>۱۰۰</sup>.

### مبحث سوم

<sup>۹۵</sup> - سوره القصص، آیت ۱۶.

<sup>۹۶</sup> - سوره احزاب، آیت ۷۲.

<sup>۹۷</sup> - رموز بیخودی، ص ۸۶.

<sup>۹۸</sup> - سوره البینه، آیت ۵.

<sup>۹۹</sup> - سوره البقره، آیت ۱۸۵.

<sup>۱۰۰</sup> - سوره النساء، آیت ۸۲.

## انسان؛ ویژگیها، جایگاه و رسالت

### مطلب اول: برابری همه انسانها در نهاد و آفرینش

گرایش های نژادی و برتری خواهی های قبیله‌ای و جغرافیایی در میان بشر بیماری ای دیرینه است، و انسان ها، در گذر زمان همواره از این بابت رنج برده و دچار نابرابری ها شده و مصالح علیا و حقوق خویش را از دست داده اند. این بیماری، در میان هر ملتی که انتشار کرده، آن را از بیخ و بن نابود نموده است و جنگهای برتری جویی برای سالیان متمادی ادامه یافته است. قوم عرب قبل از اسلام در اثر انتشار این بیماری در میان شان، از اختلاف و تباهی جانکاهی رنج می برد و منتظر کسی بود که آنها را از این مهلکه رهایی بخشد. جنگهای قبیله‌ای ای که در میان دو قوم اوس و خزرج<sup>۱۰۱</sup> در مدینه برای دهها سال ادامه داشت، و جنگ داحس و غبراء<sup>۱۰۲</sup> که در میان دو قبیله عربی به نام های عبس و ذبیان، برای مدت بیشتر از یک قرن ادامه یافت، گویای این حقیقت است. زمانی که حضرت محمد -صلی الله علیه وسلم- به پیامبری برگزیده شد، یکی از مهمترین برنامه هایی که روی دست گرفت متحد ساختن نژاد عرب و سپس نوع انسان بر بنیاد عقیده توحیدی و عدالت انسانی بود. حضرت پیامبر مبادی و ارزشهایی را با خود آورد که می شد بر اساس آن بساط اختلاف و چند دستگی را از میان برچید و زندگی را برای همه امن گردانید. بر اساس این اندیشه امتی بزرگ و تمدنی بی مانند بنیاد گذاشته شد که تا امروز ادامه دارد و ان شاء الله، تا قیام قیامت زنده و جاویدان خواهد ماند. متأسفانه در اثر خود خواهی ها و بی تقوایی شمار زیادی از خانواده های سیاستمدار جهان اسلام و بی دینی های عده ای دیگر، ملل اسلامی دچار چند پارچگی شدید شده رشته وحدت و اخوت اسلامی از هم گسست و دشمنان توانستند بر قلبها و جغرافیای مسلمانان چیره شوند و مصالح بزرگ شان را به نفع خود پامال نمایند. اقبال لاهوری که اوج این اختلاف و ضعف و بی مایگی آنها را شاهد بوده، به این موضوع توجه کرده آنها را به بازگشت به سوی اسلام حقیقی و پیروی راستین پیامبر فرا می خواند.

در ابیات زیر اشاره به این شده است که حضرت پیامبر اسلام -صلی الله علیه وسلم- به دستور پروردگار خویش، نظام طبقاتی و معیارهای برتری دوره جاهلی را که بر پایه قومگرایی و نژاد پرستی، و رنگ و گرایش های جغرافیایی استوار بود، دگرگون ساخت و بنای برتری را بر اساس عدالت انسانی و ارزشهای خدا پسندانه بنا نهاد.

<sup>101</sup> - الرحیق المختوم، صفی الرحمن المبارکفوری، ط 6، 1988م، دار الدیان للتراث، القاهرة - مصر، ص 155.

<sup>102</sup> - السیره النبویه، عرض وقائع وتحلیل احداث، الدكتور علی محمد محمد الصلابی، دار ابن کثیر، ط 2، دمشق - سوریا، ج 1 ص 40.

امتیازات نسب را پاک سوخت آتش او این خس و خاشاک سوخت

چون گل صد برگ ما را بو یکیست اوست جان این نظام و او یکیست

سر مکنون دل او ما بدیم نعره بی باکانه زد افشا شدیم<sup>۱۰۳</sup>

در ابیات فوق به آیات زیر اشاره است: (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا)<sup>۱۰۴</sup> مفهوم ابیات فوق به آیت زیر نیز اشاره دارد: (يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ)<sup>۱۰۵</sup>، و بیت اخیر به آیت زیر اشاره دارد: (إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا)<sup>۱۰۶</sup>

### مطلب دوم: اوصاف آفرینشی و اخلاقی انسان:

الله متعال انسان را از خاک آفرید و از روح پاک خویش در او دمید، و در وجودش صفاتی متضاد و دوگانه ای را به وجود آورد، هم در او احساس محبت و دوستی آفرید و هم انگیزه ترس. از اقبال در ابیات زیر اعتراف دارد که آدمی دارای ویژگی های گوناگونی است؛ گاهی این ویژگی ها در مقابل هم قرار می گیرند. اقبال در این ابیات خوف را در مقابل محبت قرار داده است؛ ولی در ابیات اخیر این قطعه، مسلمانان را به شجاعت و برومندی و فداکاری فرا می خواند، او می گوید: هر که به معنای «لا اله الا الله» ایمانی راستین داشته باشد هیچگاه در برابر باطل سر فرود نمی آورد و تسلیم ستم نمی شود. در ابیات می خوانیم:

طرح تعمیر تو از گل ریختند با محبت خوف را آمیختند

خوف دنیا خوف عقبی خوف جان خوف آلام زمین و آسمان

حب مال و دولت و حب وطن حب خویش و اقربا و حب زن

<sup>103</sup> - همان، ص ۱۶ و ۱۷.

<sup>104</sup> - سوره اسراء، آیت ۷۰.

<sup>105</sup> - سوره الحجرات، آیت ۱۳.

<sup>106</sup> - سوره احزاب، آیت ۷۲.

|                                          |                               |
|------------------------------------------|-------------------------------|
| کشته ی فحشاء هلاک منکر است               | امتزاج ما و طین تن پرور است   |
| هر طلسم خوف را خواهی شکست                | تا عصای لا اله داری به دست    |
| خم نگردد پیش باطل گردنش                  | هر که حق باشد چو جان اندر تنش |
| خاطرش مرعوب غیر الله نیست                | خوف را در سینه او راه نیست    |
| فارغ از بند زن و اولاد شد <sup>۱۰۷</sup> | هر که در اقلیم لا آباد شد     |

اقبال در ابیات بالا به چندین آیت از آیات قرآنی نظر داشته است، و در ابیات خود مفهوم آن آیات را به نحو اشاری گنجانده است، مانند آیات زیر: (وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ)<sup>۱۰۸</sup> و (خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ)<sup>۱۰۹</sup> و (أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ)<sup>۱۱۰</sup> و (فَمَنْ اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ)<sup>۱۱۱</sup> و (وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ)<sup>۱۱۲</sup> و (قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ)<sup>۱۱۳</sup>

مطلب سوم: آدم -علیه السلام- به سبب آگاهی و دانش نامها، مسجود ملائکه شد:

|                         |                                       |
|-------------------------|---------------------------------------|
| علم اسما اعتبار آدم است | حکمت اشیا حصار آدم است <sup>۱۱۴</sup> |
|-------------------------|---------------------------------------|

<sup>۱۰۷</sup> - اسرار خودی، ص ۳۰.

<sup>۱۰۸</sup> - سوره حجر، آیت ۲۶.

<sup>۱۰۹</sup> - سوره الرحمن، آیت ۱۴.

<sup>۱۱۰</sup> - سوره یونس، آیت ۶۲.

<sup>۱۱۱</sup> - سوره الأعراف، آیت ۳۵.

<sup>۱۱۲</sup> - سوره آل عمران، آیت ۱۳۹.

<sup>۱۱۳</sup> - سوره توبه، آیت ۲۴.

<sup>۱۱۴</sup> - رموز بیخودی، ص ۹۸.

شاعر در بیت بالا از داستان آفرینش آدم -علیه السلام- و مخالفت فرشتگان و عدم سجده ابلیس و سپس وسوسه آدم توسط ابلیس و خروج آن دو زوج از بهشت، متأثر می باشد: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (31) قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (32) قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنَّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ (33) وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ»<sup>۱۱۵</sup>.

بیت زیر نیز اشاره به داستان آفرینش آدم -علیه السلام- دارد که الله متعال او را آفرید تا به حیث خلیفه خدا در روی زمین، نقش مثبت بازی کند و به آبادی زمین مطابق فرمان پرودگار اقدام کند.

مرد حق آن بنده ی روشن نفس      نایب تو در جهان او بود و بس<sup>۱۱۶</sup>

در بیت بالا معنای آیت قرآنی زیر تبلور یافته است: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»<sup>۱۱۷</sup>

بیت زیر از نظر معنایی با ابیات بالا همخوانی دارد. ابیات بالا به خلافت انسان در روی زمین اشاره دارند، بیت زیر نیز به همان مفهوم و رسالت، اشاره می کند. مقصد اقبال از «لاله صحرایی» که در بیت آورده کوهها و پهنای زمین است که از حمل امانت الهی «خلافت» سرباز زد؛ ولی انسان قدم پیش گذاشت و بار این امانت را به دوش کشید.

ای لاله صحرایی تنها نتوانی سوخت      این داغ جگر تابی بر سینه ی آدم زن<sup>۱۱۸</sup>

<sup>۱۱۵</sup> - سوره بقره، آیات ۳۱-۳۷.

<sup>۱۱۶</sup> - مسافر، ص ۴۲۵.

<sup>۱۱۷</sup> - سوره بقره، ایت ۳۰.

<sup>۱۱۸</sup> - زبور عجم (کلیات) ص ۱۳۸

در بیت بالا مفهوم آیت زیر بازتاب یافته است: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا»<sup>۱۱۹</sup>

## مبحث چهارم

### دستورات الهی به کردار نیک

علامه اقبال به عنوان یک مؤمن راستین، راه رهایی مسلمان را در پابندی به دستورات الهی می داند؛ چه این دستورات به مسائل عبادی مربوط شوند و چه به مسائل اخلاقی و گرایشی و روانی. او نماز را وسیله راز و نیاز و ارتباط مستقیم با پروردگار دانسته و بر آن است که می شود بدین وسیله ارتباط گسسته را با او تعالی ترمیم نمود. پس از نماز های پنجگانه جریان روز نماز های شبانگاهی بهترین وسیله ارتباط مستقیم با خداوند می باشد. از همین روی، با آنکه الله متعال بطور مستقیم به نماز های نیمه شبی دستور نداده؛ ولی از کسانی که در نیمه های شب نماز می گزارند توصیف کرده است، چنانچه در قرآن کریم می خوانیم: «إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا»<sup>۱۲۰</sup>.

### مطلب اول: در عرصه عبادات اسلامی

نماز، بهترین وسیله ارتباط و تقرب بندگان با پروردگار است؛ زیرا که با نماز حضور قلب و احساس مراقبت الهی تقویت می شود، با سجده، برای انسان فروتنی رخ می دهد و در دل انسان عظمت پروردگار پیدا می شود<sup>۱۲۱</sup>. اقبال که در خانواده ای صوفی مشرب و پرهیزکار تربیت یافته بود، این معنی و ارزش نماز را به خوبی در یافته بود؛ از این روی، هم خود به نماز پابند بود و هم دیگران را به پابندی بدان فرا می خواند.

<sup>۱۱۹</sup> - سوره احزاب، آیت ۷۲.

<sup>۱۲۰</sup> - سوره المزمل، آیت ۶.

<sup>۱۲۱</sup> - مختصر منهاج القاصدين، امام احمد بن قدامه المقدسي، دارالفيحاء، ۱۹۸۶م، ط ۱، عمان، الأردن، ص ۴۰-۴۱.

لا اله باشد صدف گوهر نماز      قلب مسلم را حج اصغر نماز

در کف مسلم مثال خنجر است      قاتل فحشا و بغی و منکر است<sup>۱۲۲</sup>

در بیت های بالا تأثیر آیت قرآنی زیر به تمام وضاحت دیده می شود. (وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ)<sup>۱۲۳</sup>

اقبال در ابیات زیر به دو چیز اشاره دارد: یکی آنکه حالت خود را وصف می کند، و نشان می دهد که به خاطر امت اسلامی و مشکلاتی که از آن رنج می برد شبها را در تفکر و تأمل به سر می برد، تا اندازه ای که خواب را از وی ربوده است، و دوم آنکه وی با بیان این مطلب به نحو غیر مستقیم مسلمین را فرا می خواند به سوی ارتباط مستقیم با الله متعال در دل شب، آنجا که همه خوابند جز الله، در چنین حالی ارتباط بنده با الله متعال بسته است و آرامش روحی خود را در این قیام و راز و نیاز میابد.

در سکون نیم شب نالان بدم      عالم اندر خواب و من گریان بدم

جانم از صبر و سکون محروم بود      ورد من یا حی یا قیوم بود

آرزویی داشتم خون کردمش      تاز راه دیده بیرون کردمش<sup>۱۲۴</sup>

اقبال مفهوم ابیات بالا را از آیات قرآنی زیر گرفته است: «إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا، إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا»<sup>۱۲۵</sup> و «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ»<sup>۱۲۶</sup> و «وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ، الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمْ»<sup>۱۲۷</sup>.

<sup>۱۲۲</sup> - اسرار خودی، ص ۳۱.

<sup>۱۲۳</sup> - سوره عنکبوت، آیت ۴۵.

<sup>۱۲۴</sup> - رموز بیخودی، ص ۵۶.

<sup>۱۲۵</sup> - سوره المزل، آیت ۷۶.

<sup>۱۲۶</sup> - سوره الانفال، آیت ۲.

<sup>۱۲۷</sup> - سوره الحج، آیت ۳۴ و ۳۵.

در بیت اخیر این قطعه مفهوم حدیث نبوی -صلی الله علیه وسلم- هم نمایان است که می فرماید: «سَبْعَةُ يُظِلُّهُمْ اللَّهُ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ... وَرَجُلٌ ذَكَرَ اللَّهَ خَالِيًا فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ»<sup>۱۲۸</sup>. بنده هنگامی که با الله متعال رابطه برقرار می کند و خالصانه به پیشگاهش سر تسلیم فرود می آورد و به درگاهش سجده می کند در واقع خود را از بند بتها رها ساخته و به بندگی الله متعال اقرار می نماید، و حق سجده را به کسی که مستحقش است، اداء می کند.

اقبال راز و ارزش بلند سجده را به خوبی دریافته است و از همین روی، مخاطبین خود را به سوی سجده دعوت می کند؛ چونکه می داند کسی که به پیشگاه خدا سجده کند به هیچ بنده ای و به هیچ طاغوتی سر خم نخواهد کرد.

ارج می گیرد ازو نا ارجمند بنده را از سجده سازد سربلند<sup>۱۲۹</sup>

در بیت فوق به آیات زیر تلمیح صورت گرفته است: «إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ»<sup>۱۳۰</sup> و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»<sup>۱۳۱</sup> و «إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ»<sup>۱۳۲</sup>

### مطلب دوم: گریز به سوی الله و پناه جستن به آستان او تعالی:

اقبال در بیت زیر به دو مفهوم قرآنی فرا خوانده است: یکی مفهوم توبه و انابت به سوی پروردگار و دومی بحث دعاء و نیایش. توبه یکی از بهترین راه های بازگشت به راه سالم و درست است. علماء در شروط توبه گفته اند، هر که بخواهد توبه کند باید سه شرط را برای قبول توبه خویش در نظر بگیرد: یکی پشیمانی از کرده، دوم قطع رابطه با گناهی که مرتکب شده، سوم تصمیم بر آنکه هیچگاه بدان گناه باز نخواهد گشت. و در ارتباط به بندگان شرط چهارم را هم مطرح کرده و آن اینکه هرگاه در حق

<sup>128</sup> - الكواكب الدراری فی شرح صحیح البخاری، محمد بن یوسف بن علی بن سعید، شمس الدین الکرمانی، (۱۹۸۱م) ط ۲، دار إحياء

التراث العربی، بیروت-لبنان، ج ۷ ص ۱۹۳.

<sup>129</sup> - رموز بیخودی، آیت ۸۳.

<sup>130</sup> - سورة الاعراف، آیت ۲۰۶.

<sup>131</sup> - سورة الحج، آیت ۷۷.

<sup>132</sup> - سورة السجدة، آیت ۱۵.

بنده ای ستمی روا داشته باشد<sup>۱۳۳</sup>، از وی بخشایش بخواهد و رضایت خاطرش را بدست آورد. مفهوم دعاء هم یکی از مطالب اسلامی و شرعی می باشد. پیامبر بزرگ اسلام -صلی الله علیه وسلم- آن را راه عروج مؤمن می داند، و به همین خاطر آن حضرت در مناسبت های مختلف و بهانه های گوناگون به دعاء روی آورده و از پروردگار خویش طلب کمک نموده است.

مسلم از دنیا سوی حق رم کند      از دعاء تدبیر را محکم کند<sup>۱۳۴</sup>

اقبال در بیت بالا به نحوی از افکار تصوفی ملامتیه<sup>۱۳۵</sup> متأثر است و گریز از دنیا را وسیله نجات می داند، چنانچه صوفیان ملامتی و افراطی بر آن بودند که راه خلاصی انسان و تقرب شان به پروردگار در مرگ و به رفیق اعلی پیوستن نهفته است. هرچند اقبال این بیت را با استفاده از آیات زیر نوشته است: «فَقَرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ»<sup>۱۳۶</sup> و «وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»<sup>۱۳۷</sup> و «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»<sup>۱۳۸</sup>.

به نظر بنده اقبال با تعبیر «مسلم از دنیا سوی حق رم کند» در این مغالطه افتاده است که گویا خداوند در این آیات بندگان را به گریز از دنیا فرا خوانده است، بلکه مفهوم آیات آن است که او تعالی بندگان را دستور داده است که به دنیا دلبنده و وابسته نباشند به گونه ای که خدا و مرگ را به فراموشی سپارند بلکه تعلق قلبی شان با الله باشد و در هر امری مهم به جای تعلق خاطر به ابزار دنیوی به دعا و نیایش به الله روی آورند.

**مطلب سوم: دعوت به سوی تأمل و اندیشه پیرامون مظاهر قدرت الله و یا پیرامون پایان کار ستمگران**

<sup>۱۳۳</sup> - مختصر منهاج القاصدين، احمد بن عبدالرحمن بن قدامة المقدسي، تحقيق: علي حسن علي عبدالحميد، دارالفيحاء ودارعمار، ط ۱.

عام ۱۹۸۶م، عمان- الأردن، ص ۳۳۱-۳۳۴.

<sup>۱۳۴</sup> - اسرار خودی، ص ۴۴.

<sup>۱۳۵</sup> - فرقه ای تصوفی اند که پیروان آن برای تقرب بیش تر به حق، طاعات و عبادات خود را از دیگران پنهان می کنند و اعمالی انجام می دهند که خلق آنها را سرزنش کنند. (فرهنگ بزرگ سخن، ج ۷ ص ۷۳۱۸).

<sup>۱۳۶</sup> - سوره الذاریات، آیت ۵۰.

<sup>۱۳۷</sup> - سوره نور، آیت ۳۱.

<sup>۱۳۸</sup> - سوره غافر، ۶۰.

اقبال در بیت زیر واژه قرآنی (انظر) را به کار برده است، معمولاً در قرآن کریم این واژه در دو مورد کاربرد داشته است: یکی آیاتی که بندگان را به اندیشه در باره نظام آفرینش الله دستور می دهد تا به کنه و حقیقت آن و عظمت قدرت الله متعال پی ببرند و یا آنها را به تأمل پیرامون پایان اقوام سرکش در برابر فرمان او تعالی دعوت می کند.

توکه مقصود خطاب انظری پس چرا این راه چون کوران بری؟<sup>۱۳۹</sup>

در بیت فوق تأثیر آیات زیر به وضاحت دیده می شود، مانند: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ أَنْظِرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ»<sup>۱۴۰</sup> و «قُلْ أَنْظِرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنَّذْرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ»<sup>۱۴۱</sup> و «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ»<sup>۱۴۲</sup>. هرچند می توان در قرآن کریم جمله «انظر» را به چندین معنا یافت؛ ولی در ابیاتی که اقبال به کار برده بیشتر همان دو معنا که ذکر نمودیم می باشد.

#### مطلب چهارم: حمل امانت اسلام و ایمان و عبادت الهی توسط انسان

اقبال در بیت زیر به این مفهوم اشاره کرده که الله متعال بار امانت<sup>۱۴۳</sup> خویش که همانا خلافت اوتعالی است را به آسمانها و زمین و کوههای بلند و بزرگ عرضه کرد؛ ولی آنها از کشیدن این بار خود داری کردند؛ زیرا ترسیدند که از حمل این بار بزرگ موفق بدر نخواهند آمد؛ ولی انسان پذیرفت و عهده دار امانت الهی گردید.

آنکه دوش کوه بارش بر نتافت سطوت او زهره ی گردون شکافت<sup>۱۴۴</sup>

<sup>139</sup> - رموز بیخودی، آیت ۹۸.

<sup>140</sup> - سوره الانعام، آیت ۱۱.

<sup>141</sup> - سوره یونس، آیت ۱۰۱.

<sup>142</sup> - سوره آل عمران، آیت ۱۳۷.

<sup>143</sup> - رک تفهیم القرآن، سید ابوالاعلی مودودی، ترجمه عبدالغنی سلیم قنبر زهی، (۱۳۹۸ش)، نشر احسان، تهران ایران، ج ۴، ص ۶۱۴.

<sup>144</sup> - رموز بیخودی، ص ۷۱.

در بیت بالا اشاره به آیت قرآنی زیر شده است: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا»<sup>۱۴۵</sup>

**مطلب پنجم: توجه به شریعت اسلام و التزام به آن:**

اقبال تأکید دارد که هر مسلمانی باید به شریعت اسلام و قوانین آن پابند باشد، اگر التزام به شریعت و قوانین اسلامی نباشد نمی توان شخصی را مسلمان و مؤمن دانست. به همین خاطر آغاز و انجام کار را به شرع مرتبط می داند.

با توگویم سر اسلام است شرع      شرع آغاز است و انجام است شرع<sup>۱۴۶</sup>

بیت بالا متأثر از آیت قرآنی زیر می باشد: «وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ»<sup>۱۴۷</sup> و «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ»<sup>۱۴۸</sup>.

**مطلب ششم: تسلیمی به حکم شریعت اسلام**

اقبال در چندین بیت از دیوان خویش به تسلیمی به حکم شریعت اسلام تأکید می کند و راز های این تسلیمی را هم چنین بیان می دارد:

|                                  |                              |
|----------------------------------|------------------------------|
| آدمی اندر جهان خیر و شر          | کم شناسد نفع خود را از ضرر   |
| کس نداند زشت و خوب کار چیست      | جاده ی هموار و نا هموار چیست |
| شرع بر خیزد ز اعماق حیات         | روشن از نورش ظلام کائنات     |
| گر جهان داند حرامش را حرام       | تا قیامت پخته ماند این نظام  |
| حکمش از عدل است و تسلیم و رضا ست | بیخ او اندر ضمیر مصطفی است   |

<sup>۱۴۵</sup> - سوره الاحزاب، آیت ۷۲.

<sup>۱۴۶</sup> - رموز بیخودی، ص ۸۶.

<sup>۱۴۷</sup> - سوره مائده، آیت ۴۴.

<sup>۱۴۸</sup> - سوره الشوری، آیت ۱۳.

از جدائی گرچه جان آید به لب  
وصل «او» کم جو رضای «او» طلب

مصطفی داد از رضای او خبر  
نیست در احکام دین چیزی دگر

حکم سلطان گیر و از حکمش منال  
روز میدان نیست روز قیل و قال

تا توانی گردن از حکمش مپیچ  
تا نه پیچد گردن از حکم تو هیچ<sup>۱۴۹</sup>

در قطعه بالا مضامین چندین آیت قرآنی تبلور یافته است، مانند: «وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»<sup>۱۵۰</sup> و «هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ حَاجَجْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»<sup>۱۵۱</sup> «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ»<sup>۱۵۲</sup> و «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»<sup>۱۵۳</sup> و «مَنْ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا»<sup>۱۵۴</sup>.

### مبحث پنجم

#### روابط اجتماعی در میان انسانها

یکی از موضوعات عمده ای که شاعران باید بدان بپردازند مسائل اجتماعی است. ادبای بزرگ و شاعران چیره دست همواره نقش چراغ را به دیگران داشته اند. علامه اقبال هم به عنوان شاعری اسلامگرا و هم به عنوان رهبری سیاسی و فیلسوف نامور وظیفه خود می دانسته است که برای نسلهای مخاطب خود راه

<sup>۱۴۹</sup> - پس چه باید کرد ای اقوام شرق، ص ۴۰۲.

<sup>۱۵۰</sup> - سوره بقره، آیت ۲۱۶.

<sup>۱۵۱</sup> - سوره آل عمران، آیت ۶۶.

<sup>۱۵۲</sup> - سوره الشوری، آیت ۱۳.

<sup>۱۵۳</sup> - سوره یونس، آیت ۴۴.

<sup>۱۵۴</sup> - سوره الاسراء، آیت ۱۵.

و رسم زندگی را نشان دهد. اقبال که از دنباله روی مسلمانان شبه قاره هند و استعمار پذیری آنها رنج می برد، بر آن بود که این ملت دلمرده را بیدار کند. این کار جز از راه به کارگیری مفاهیم قرآنی در شعر از راه دیگری میسر نبود. چون قرآن کتابی است انقلاب آفرین و انسان های دلمرده و پریشان را به خیزش و بیداری فرا می خواند. او بر آن است که زندگی مسلمانان در حال تفرقه و چند دستگی هیچگاهی و وضع آنها تغییر و دگرگون نمی سازد و از دنباله روی و پریشانی رهایی شان نمی بخشد. از این روی نخست آنها را به وحدت می خواند و سپس به بیماری های اجتماعی دیگری می پردازد. مسائل اجتماعی ای که اقبال در روشنی داده های قرآن کریم بدان پرداخته را به نحو زیر مورد مطالعه قرار می دهیم:

### مطلب اول: تأکید بر وحدت و هشدار از تفرق

اقبال در صفحات متعددی از کلیات خویش بر وحدت مسلمین تأکید داشته و تفرق و چند دستگی شان را مورد انتقاد قرار داده است. او در ابیات زیر نیز بر اهمیت وحدت اشاره کرده می گوید:

رشته ی وحدت چو قوم از دست داد صد گره بر روی کار ما فتاد

ما پریشان در جهان چون اختریم همدم و بیگانه از یکدیگریم<sup>۱۵۵</sup>

انگار اقبال در این دو بیت بر آیت قرآنی زیر نظر داشته است: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ، وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ، وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»<sup>۱۵۶</sup> و «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»<sup>۱۵۷</sup>

اقبال در ابیات دیگری نیز به وحدت و یکپارچگی و دوری از تفرق و چند دستگی فرا می خواند.

فرد را ربط جماعت رحمت است جوهر او را کمال از ملت است

<sup>۱۵۵</sup> - اسرار خودی، ص ۵۳.

<sup>۱۵۶</sup> - سوره آل عمران، آیت ۱۰۳.

<sup>۱۵۷</sup> - سوره الأنفال، آیت ۴۶.

تا توانی با جماعت یار باش

رونق هنگامه ی احرار باش<sup>۱۵۸</sup>

### مطلب دوم: دوری مؤمنان از اندوه

اقبال در ابیات زیر مؤمن را در خورسندی دایم به ستاره درخشنده تشبیه کرده که هیچگاه غم و اندوه به دل خود را نمی دهد. مؤمن واقعی بر آن است که در دنیا باید جد و جهد داشت و برای کسب رضای پروردگار همواره تلاش نمود و هیچگاه دلهره و اندوهی به خود راه نداد؛ زیرا هرگامی که به خاطر الله بر می داریم ضایع نمی شود و کرام الکاتبین آن را برای ما می نویسند و به اعمال نیکوی ما افزوده می شود.

از رضا مسلم مثال کوکب است

در ره هستی تبسم بر لب است

گر خدا داری زغم آزاد شو

از خیال بیش و کم آزاد شو<sup>۱۵۹</sup>

اقبال در هنگام نوشتن این ابیات به آیت قرآنی زیر توجه داشته است. «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»<sup>۱۶۰</sup>

### مطلب سوم: مرد و زن کامل کننده همدیگرند:

اقبال در دیوان «جاویدنامه» زیر عنوان محکمت عالم قرآنی، ابیاتی نغز را بر زبان سید جمال الدین افغانی می گوید که در یکی از قطعات آن به جایگاه زن در جامعه بشری اشاره شده است، در یکی از ابیات قطعه آمده است:

مرد و زن وابسته یکدیگر اند

کائنات شوق را صورت گرند<sup>۱۶۱</sup>

در بیت بالا به مضمون آیت قرآنی زیر اشاره رفته است: «أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ

<sup>158</sup> - رموز بیخودی، ص ۵۸.

<sup>159</sup> - رموز بیخودی، ص ۶۴.

<sup>160</sup> - سوره آل عمران، آیت ۱۳۹.

<sup>161</sup> - جاوید نامه، ص ۳۰۸.

بَاشِرُوهُنَّ»<sup>۱۶۲</sup>. هرچند در بیت بالا صرف به این مقطع آیت «هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ» اشاره شده است ولی ذکر همه آیت به سبب آن بود تا خواننده سیاق عبارت منقول را به خوبی درک نماید. و آیت دیگری نیز این معنا را می‌رساند که الله متعال فرموده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»<sup>۱۶۳</sup>

## مبحث ششم

### دعوت ، مجاهدت و انقلاب

علامه اقبال انسانی مؤمن، دعوتگر و انقلابی بود. این خوی از او آدمی ساخته بود که همه هنرش را در راه دعوتگری و در راه بیان ارزشهای دین مبین اسلام و مبارزه علیه دشمنان آن بکار گیرد. از تعمق و تأمل در شعر اقبال این برداشت به وجود می‌آید که او فلسفه اش را بر بنیاد انقلاب، مجاهدت و دعوت به سوی خود ارادیت بنا نهاده است. تفصیل این نگاه را می‌توان در مطالب زیر به خوبی دریافت.

### مطلب اول: تغییر و انقلاب

علامه اقبال یکی از محورهای فلسفه خود را بر بنیاد آیت قرآنی (إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ)<sup>۱۶۴</sup> بنیاد نهاده است. او پیام این آیت را اساس اولین دیوان شعری اش گردانید. وقتی دیوان «اسرار و رموز» او را با دقت و کنجکاوی به بررسی می‌گیریم و مأخذها و منابع آن را جستجو می‌کنیم، به وضاحت این نتیجه را می‌گیریم که اقبال در نگارش این دیوان به پیام این آیت و آیات همانند آن نظر داشته است. اقبال در ابیات زیر به آیت دیگری نیز اشاره دارد که الله متعال فرموده است: (وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ)<sup>۱۶۵</sup> یعنی: و آنانی که در راه ما تلاش به خرج دادند، حتماً راه خویش را بدیشان می‌نمایانیم، وبدون شک خداوند با نیکو کاران همراه است). هر دو آیت، مسلمین را به سوی تلاش و مبارزه برای رسیدن به هدف‌های بلند فرا می‌خوانند و نصرت و یاری الله

<sup>۱۶۲</sup> - سوره بقره، آیت ۱۸۷.

<sup>۱۶۳</sup> - سوره الروم، آیت: ۲۱.

<sup>۱۶۴</sup> - سوره رعد، آیت ۱۱.

<sup>۱۶۵</sup> - سوره العنکبوت، آیت ۶۹.

پاک هم با کسی است که خود اراده پیشرفت داشته برای رسیدن به اهداف بزرگ تلاش صادقانه انجام دهد. در ابیات آمده است:

|                                          |                                            |
|------------------------------------------|--------------------------------------------|
| ساقیا برخیز و می در جام کن               | محو از دل کاوش ایام کن                     |
| شعله آبی که اصلش زمزم است                | گر گدا باشد پرستارش جم است                 |
| می کند اندیشه را هشیار تر                | دیده ی بیدار را بیدار تر                   |
| اعتبار کوه بخشد کاه را                   | قوت شیران دهد روباه را                     |
| خاک را اوج ثریا می دهد                   | قطره را پهنای دریا می دهد                  |
| خامشی را شورش محشر کند                   | پای کبک از خود باز احمر کند <sup>۱۶۶</sup> |
| در ابیات زیر نیز به آیات بالا اشاره است: |                                            |
| از خودی مگذر بقا انجام باش               | قطره ئی می باش و بحر آشام باش              |
| تو که از نور خودی تابنده ئی              | ای سرت گردم غلط فهمیده ئی <sup>۱۶۷</sup>   |

اقبال واژه های «ساقی» و «می» را به سان شاعران پارسی گوی کهن، به عنوان رمز به کار برده است. منظور اقبال از این واژه ها معنا و مفهوم مادی و ظاهری نیست؛ بلکه به مطلبی ادراکی و معنوی اشاره دارد و آن اراده و تلاش همراه با توکل به الله است.

بیت زیر نیز همین معنا و مفهوم را می رساند:

|                             |                                         |
|-----------------------------|-----------------------------------------|
| محکم از حق شو سوی خود گامزن | لات و عزای هوس را سر شکن <sup>۱۶۸</sup> |
|-----------------------------|-----------------------------------------|

اقبال در ابیاتی دیگری نیز بر این معنی و مفهوم تأکید می کند:

|                          |                           |
|--------------------------|---------------------------|
| علم حق را در قفا انداختی | بهر نانی نقد دین در باختی |
|--------------------------|---------------------------|

---

<sup>۱۶۶</sup> - اسرار خودی، ( در ضمن کلیات)، ص ۸۷.

<sup>۱۶۷</sup> - همان، ص ۴۵

<sup>۱۶۸</sup> - اسرار خودی، ص ۱۸.

گرم رو در جستجوی سرمه ئی

واقف از چشم سیاه خود نه ئی

آب حیوان از دم خنجر طلب

از دهان اژدها کوثر طلب<sup>۱۶۹</sup>

نگاه اقبال در چهار بیت فوق بیشتر به موضوع توکل، حق گرایی، مبارزه با نفس اماره بوده است، او در این ابیات از مفهوم آیات زیر متأثر است: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ، وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»<sup>۱۷۰</sup> و «وَمَا أَبْرَأُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ»<sup>۱۷۱</sup>.

### مطلب دوم: تأثیرات شگرف باور ایمانی بر روح و روان آدمی

اقبال در ابیات زیر به سوی یکتا پرستی و یکپارچگی فرا خوانده و تأثیرات نیک آن را بر روح بشریت بیان میدارد. او می گوید که در اسلام همه مسلمانان با هم برادر و برابرند، رنگ پوست یا محیط جغرافیایی وسیله برتری در میان آنها نیست، بلکه تقوی است.

اسود از توحید احمر می شود

خویش فاروق و ابوذر می شود

دل مقام خویشی بیگانگی است

شوق را مستی زهم پیمانی است

ملت از یک رنگی دلهاستی

روشن از یک جلوه این سیناستی<sup>۱۷۲</sup>

اقبال معنای ابیات بالا را از مفهوم آیات زیر گرفته است: « وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا »<sup>۱۷۳</sup> و « إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ »<sup>۱۷۴</sup>.

معنا و مفهوم آیات فوق در ابیات زیر نیز بازتاب یافته است:

<sup>۱۶۹</sup> - اسرار خودی، ص ۴۶-۴۷.

<sup>۱۷۰</sup> - سوره طلاق، آیت ۳ و ۲.

<sup>۱۷۱</sup> - سوره یوسف، آیت ۵۳.

<sup>۱۷۲</sup> - رموز بیخودی، ص ۶۳.

<sup>۱۷۳</sup> - سوره آل عمران، آیت ۱۰۳.

<sup>۱۷۴</sup> - سوره الحجرات، آیت ۱۰.

|                             |                                             |
|-----------------------------|---------------------------------------------|
| ملت ما را اساس ديگر است     | اين اساس اندر دل ما مضمّر است               |
| حاضریم و دل بغایت بسته ایم  | پس زبند این و آن وارسته ایم                 |
| رشته ی این قوم مثل انجم است | چون نگه هم از نگاه ما گم است                |
| تیر خویش پیکان یک کیشیم ما  | یک نما یک بین یک اندیشیم ما                 |
| مدعای ما مآل ما یکیست       | طرز انداز خیال ما یکیست                     |
| ما ز نعمتهای او اخوان شدیم  | یک زبان و یکدل و یک جان شدیم <sup>۱۷۵</sup> |

**مطلب سوم: امت اسلام امت عادل ، ودعوت ديگران را به پیروی از پیامبر بیسواد**

علامه اقبال در ابیات زیر به جایگاه بلند امت اسلام در میان امت ها اشاره داشته آنها را فرا می خواند تا ایشان همه انسانیت را به پیروی از دین مبین و عدل پرور اسلام و به سنت مطهر پیامبر بزرگ آن دعوت نمایند، مقصد از واژه «صلای عام» همانا دعوت همه جانبه و عمومی می باشد.

|                           |                                      |
|---------------------------|--------------------------------------|
| می ندانی آیه ی ام الکتاب  | امت عادل ترا آمد خطاب                |
| آب و تاب چهره ی ایام تو   | در جهان شاهد علی الاقوام تو          |
| نکته سنجان را صلاى عام ده | از علوم امیى پیغام ده <sup>۱۷۶</sup> |

در ابیات فوق به معنا و مفهوم آیات زیر اشاره شده است: « وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا<sup>۱۷۷</sup> » و «فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ<sup>۱۷۸</sup> » و «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ<sup>۱۷۹</sup>»

<sup>175</sup> - رموز بیخودی، ص ۶۴.

<sup>176</sup> - رموز بیخودی، ص ۹۴.

<sup>177</sup> - سوره بقره، آیت ۱۴۳.

<sup>178</sup> - سوره الاعراف، ۱۵۸.

<sup>179</sup> - سوره حجر، آیت ۹۴.

اقبال زندگانی دعوتی پیامبر اسلام -صلی الله علیه وسلم- را مطالعه کرده آن را برای زندگی مسلمانان عصر خویش مشعل راه می گرداند و از آنها می خواهد که سمند دعوت و مبارزه خویش را در دل تاریکی بتازند و از سختی های راه هراس نداشته باشند.

جلوه در تاریکی ایام کن آنچه بر تو کامل آمد عام کن<sup>۱۸۰</sup>

در بیت بالا به مفهوم دو آیت از آیات قرآنی اشاره شده است: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»<sup>۱۸۱</sup> و «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ»<sup>۱۸۲</sup>

### مطلب چهارم: تفسیر سوره اخلاص

اقبال در صفحات متعددی از کلیات خود زیر نام (خلاصه مثنوی) مطالبی را به زبان شعر بیان داشته انگار که آیات سوره (اخلاص) را تفسیر نموده است، مثلاً مفهوم آیت نخست سوره (قل هو الله احد) در ابیات زیر بازتاب یافته است. هرچند سوره اخلاص همه اش مفاهیم عقیده و توحید است؛ ولی اقبال از این سوره فهم دیگری به دست می دهد؛ بلکه او از لابه لای این سوره به سوی انقلاب و تغییر اجتماعی وفکری فرا می خواند؛ آن روی، ترجیح دادیم که ابیات مربوط به آن را در این بخش تصنیف کنیم:

رنگ او برکن مثال او شوی در جهان عکس جمال او شوی

آنکه نام تو مسلمان کرده است از دوئی سوی یکی آورده است

خویشتن را ترک و افغان خوانده ئی وای بر تو آنچه بودی مانده ئی

با یکی ساز از دوئی بردار رخت وحدت خود را مگردان لخت لخت

ای پرستار یکی گر تو توئی تا کجا باشی سبق خوان دوئی

صد ملل از ملتی انگیختی بر حصار خود شبیخون ریختی

<sup>۱۸۰</sup> - رموز بخودی، ص ۹۵.

<sup>۱۸۱</sup> - سوره مائده، آیت ۳.

<sup>۱۸۲</sup> - سوره حجر، آیت ۹۴.

یک شو وتوحید را مشهود کن

غائبش را از عمل موجود کن<sup>۱۸۳</sup>

در مجموع ابیات فوق پیام آور آیات توحید و دعوت بدان هستند.

علامه اقبال تحت عنوان: (الله الصمد) آیت دوم سوره اخلاص چندین بیت آورده که با مفهوم آن آیت قرآنی همخوانی دارد.

بنده ی حق بنده اسباب نیست

زندگانی گردش دولاب نیست

مسلم استی بی نیاز از غیر شو

اهل عالم را سراپا خیر شو

پیش منعم شکوه از گردون مکن

دست خویش از آستین بیرون مکن

چون علی در ساز با نان شعیر

گردن مرحب شکن خیبر بگیر

رزق خود از کف دونان مگیر

یوسف استی خویش را ارزان مگیر

گرچه باشی مور هم بی پال وپر

حاجتی پیش سلیمانی مبر

راه دشوار است سامان کم بگیر

در جهان آزاد زی آزاد میر

تا توانی کیمیا شو گل مشو

در جهان منعم شو وسائل مشو

پشت پا زن تخت کیکاوس را

سربده از کف مده ناموس را

خود بخود گردد در میخانه باز

بر تهی پیمایگان بی نیاز<sup>۱۸۴</sup>

اقبال زیر عنوان (لم یلد ولم یولد) ابیاتی زیبا نگاشته و از آن آیت فهمی شگفت آور به دست داده است که چند بیت آن را به طور نمونه میاوریم:

قوم تو از رنگ و خون بالا تراست

قیمت یک اسودش صد احمر است

قطره ی آب وضوی قنبری

در بها برتر ز خون قیصری

ملت ما شان ابراهیمی است

شهد ما ایمان ابراهیمی است

<sup>183</sup> - خلاصه مثنوی، ص ۱۰۵-۱۰۶.

<sup>184</sup> - خلاصه مثنوی، ص ۱۰۶-۱۰۷.

|                                                                                                                                               |                                           |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------|
| گر نسب را جزو ملت کرده ئی                                                                                                                     | رخنه در کار اخوت کرده ئی                  |
| در زمین ما نگیرد ریشه ات                                                                                                                      | هست نامسلم هنوز اندیشه ات                 |
| نیست از روم و عرب پیوند ما                                                                                                                    | نیست پابند نسب پیوندا                     |
| دل به محبوب حجازی بسته ایم                                                                                                                    | زین جهت با یکدگر پیوسته ایم               |
| عشق او سرمایه ی جمعیت است                                                                                                                     | همچو خون اندر عروق ملت است                |
| عشق در جان ونسب در پیکر است                                                                                                                   | رشته ی عشق از نسب محکم تر است             |
| عشق ورزی از نسب باید گذشت                                                                                                                     | هم ز ایران و عرب باید گذشت <sup>۱۸۵</sup> |
| اقبال زیر عنوان ( لم یکن له کفوا احد) ابیاتی نغز سروده که خیلی قابل تأمل و اندیشه است، لازم است که چند بیت از آن را به گونه نمونه بیان داریم: |                                           |
| رشته ئی بال لم یکن باید قوی                                                                                                                   | تا تو در اقوام بیهمتا شوی                 |
| آنکه ذاتش واحد است ولا شریک                                                                                                                   | بنده اش هم در نسازد با شریک               |
| مؤمن بالای هر بالاتری                                                                                                                         | غیرت او بر نتابد همسری                    |
| می کشد بار دو عالم دوش او                                                                                                                     | بحر و بر پرورده آغوش او                   |
| پیش باطل تیغ و پیش حق سپر                                                                                                                     | امر ونهی او عیار خیر و شر <sup>۱۸۶</sup>  |

#### مطلب پنجم: دعوت به سوی جهاد و فداکاری حقیقی

اقبال در شماری از ابیات خود که با پروردگار خویش مناجات دارد، از اوضاع مسلمانان زمان خود شکایت می کند و از بی غیرتی و عدم جهاد شان به درگاه خداوند شکوه می نماید و سپس از درگاه باری تعالی می خواهد که یا از مسلمانان بار جهاد و مبارزه را بردارد و یا در پیکر فرسوده شان روحی تازه بدمد. بیت زیر همین معنا را بر می تابد:

<sup>185</sup> - خلاصه مثنوی، ص ۱۰۹-۱۱۰.

<sup>186</sup> - خلاصه مثنوی، ص ۱۱۱-۱۱۲.

یا مسلمان را مده فرمان که جان بر کف بنه      یا درین فرسوده پیکر تازه جانی آفرین<sup>۱۸۷</sup>

اقبال در بیت فوق به مطالب آیات قرآنی در مورد جهاد نظر داشته است، مانند: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ»<sup>۱۸۸</sup> و «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ»<sup>۱۸۹</sup>.

## خاتمه و نتیجه گیری

آنچه بیان داشتیم گوشه کوچکی از تأثیر پذیری اقبال از مضامین قرآنی بود. اگر بخواهیم که همه تأثرات اقبال را از قرآن بیان داریم از حوصله یک مقاله بیرون است؛ بناء به همین چند بیت شعر بسنده کردیم و امیدواریم که در آینده بتوانیم به جنبه های دیگر تأثیر پذیری اقبال از مضامین قرآنی را در قید قلم آوریم تا شخصیت اسلامی آن بزرگ مرد، بیشتر از پیش روشن شود. در پایان این مقاله لازم است مهم ترین نتایجی که از لا به لای پژوهش این مقاله بدست میاید را به شکل خیلی مختصر و گویا درج نماییم:

(۱) علامه اقبال لاهوری در میان شاعران عصر حاضر از همه فهم عمیقتری از قرآن کریم داشته است. بنده در جریان دو سال اخیر، اشعار تعدادی از شاعران عرب و فارسی زبان، از جمله احمد شوقی، حافظ ابراهیم و محمود سامی بارودی و خلیل الله خلیلی را به طور کامل مطالعه کردم، در هیچ یکی از دیوان های ایشان تأثیر قرآن بر شعر آنها را به اندازه اقبال نیافتم. این نشان می دهد که اقبال با قرآن خیلی آمیزش و انس داشته و شاید همه روزه قرآن می خوانده و مطالب آن را به خاطر می سپرده است.

(۲) هنگامی که اقبال، افکار و اندیشه هایش را به زبان شعر در میآورد، در بسیاری موارد، بر آن نیست که به طور عمد ابیات شعری اش را با مفاهیم قرآنی بیامیزد تا تأثیر گذارتر شود؛ بلکه در اثر شدت ارتباط دائمی اش با قرآن، آموزه های قرآنی با ذهن او چنان آمیخته و عجین شده که هرچه می گوید رنگ قرآنی دارد، هرچند که عمدی هم نباشد.

<sup>۱۸۷</sup> - زبور عجم، ص ۱۲۲.

<sup>۱۸۸</sup> - سوره الحجرات، آیت ۱۵.

<sup>۱۸۹</sup> - سوره الحج، آیت ۷۸.

3) گذشته از آن که اقبال به بعض مضامینی اشاره نموده که مفهوم آن در قرآن کریم بیان گردیده است، در باره خود قرآن نیز سخنانی نغز و زیبا دارد و خواننده اشعار خود را به تلاوت قرآن و داشتن ارتباط مستقیم و دائم با آن فرا می خواند.

4) اقبال در بسا موارد به طور عمدی به مفاهیم و یا مطالب قرآنی اشاره کرده است و غرض آن می باشد تا مخاطب را بیشتر متأثر سازد و انگیزه دهد.

5) در بسا موارد به تأثیر احادیث نبوی هم بر شعر اقبال بر خوردم که بدان اشاره کرده ام؛ ولی معلوم کردن میزان تأثیر احادیث و سنت نبوی - صلی الله علیه وسلم - بر شعر اقبال به پژوهشی مستقل در این باب نیاز دارد.

6) بیشترین تأثیرات اقبال از قرآن کریم به موضوعات عقیدتی و مفاهیم انقلابی و تغییر اجتماعی بر می گردد.

7) در اخیر یک پیشنهاد هم دارم و آن اینکه امید است اداره مجله از بعض دانشجویان دوره ماستری این دانشگاه تقاضا کند که تأثیر پذیری علامه اقبال از قرآن کریم را به حیث یک برنامه پژوهشی مستقل تیزس دوره ماستری پذیرفته مورد بحث و بررسی قرار دهد.

## منابع و مأخذها

قرآن کریم.

1. اخلاق اسلامی، محمد غزالی، ترجمه داکتر محمود ابراهیمی (۱۳۸۸ش)، چاپ ۱، نشر احسان تهران - ایران.

2. ارمغان حجاز، محمد اقبال لاهوری، (۱۳۸۱ش)، ط ۸، انتشارات سنائی، تهران - ایران.

3. اسرار خود و رموز بیخودی، اقبال لاهوری (۱۳۸۱ش)، ط ۸، انتشارات سنائی، تهران - ایران.

4. اصول دعوت، عبدالکریم زیدان، ترجمه مومن حکیمی، مرکز ترجمه اصلاح، چاپ ۱، کابل - افغانستان.

5. تفسیر تفهیم القرآن، سید ابوالاعلی مودودی، (۱۳۹۸ش) ترجمه عبدالغنی سلیم قنبر زهی، نشر احسان، تهران ایران.

6. جاوید نامه، محمد اقبال لاهوری (۱۳۸۱ش)، ط ۸، انتشارات سنائی، تهران - ایران.
7. خلاصه مثنوی، اقبال لاهوری، (۱۳۸۱ش)، ط ۸، انتشارات سنائی، تهران - ایران.
8. دیوان حافظ شرازی، حافظ شرازی، تحقیق محمد قزوینی وقاسم غنی (۱۳۹۲ش)، انتشارات سفیر صبح، چاپ ۵، تهران ایران.
9. دیوان حکیم سنائی، به کوشش داکترمظاهر مصفا (۱۳۸۹ش) ط ۲، انتشارات زوار، تهران - ایران.
10. الرحیق المختوم. صفی الرحمن المبارکفوری، (1988م)، ط 6، دارالذیان للتراث، القاهرة - مصر.
11. زیور عجم، محمد اقبال لاهوری (۱۳۸۱ش)، ط ۸، انتشارات سنائی، تهران - ایران.
12. السیرة النبویة، لعلی محمد محمد الصلابی، (بلا ت) ط 2، دارابن کثیر للطباعة والنشر، دمشق - سوریه.
13. فرهنگ اصطلاحات ادبی، (۱۳۹۵ش) سیماداد، ط ۷، انتشارات مروارید، تهران - ایران.
14. فرهنگ بزرگ سخن، (۱۳۸۱ش) حسن انوری، ط ۱، کتابخانه ملی ایران، تهران - ایران.
15. فن المقامات وفن الموشحات، پوهنوال دکتور عبدالصبور فخری، (۱۴۰۱ش)، انتشارات سعید، کابل افغانستان.
16. فهرست موضوعی آیات قرآن. ( ۱۳۸۹ش) ترتیب محمد مصطفی محمد، مقدمه، ترجمه وتوضیح، فیض محمد بلوچ، ط ۱، انتشارات خواجه عبدالله انصاری، تربت جام، جمهوری اسلامی ایران.
17. الفهرس الموضوعی لآیات القرآن الکریم، (بلا ت ) محمد مصطفی محمد. إدارة القرآن والعلوم الإسلامية، کراتشی پاکستان.
18. کشف الخفاء ومزیل الالباس عما اشتهر من الاحادیث علی ألسنة الناس، مؤلف: العجلونی، إسماعیل بن محمد الجراحی، دار إحياء التراث العربی، بدون ط وتاریخ.

19. کلیات اشعار فارسی مولانا اقبال لاهوری، (۱۳۸۱ش) تصحیح احمد سروش، ط ۸، انتشارات سنائی، تهران - ایران.
20. الكواكب الدراری فی شرح صحیح البخاری، محمد بن یوسف بن علی بن سعید، شمس الدین الكرمانی، (۱۹۸۱م) ط ۲، دار إحياء التراث العربی، بیروت - لبنان.
21. الكوثر الجاری إلى ریاض أحادیث البخاری، (1429 هـ - 2008 م) أحمد بن إسماعیل بن عثمان بن محمد الكورانی الشافعی ثم الحنفی، تحقیق: الشیخ أحمد عزو عنایة، ط ۱، دار إحياء التراث العربی، بیروت - لبنان.
22. مختصر منهاج القاصدين، امام احمد بن عبدالرحمن بن قدامه المقدسی (۱۹۸۶م)، تصحیح علی حسن علی عبد الحمید، دار الفیحاء، ط ۱، عمان - الأردن.
23. مسافر، محمد اقبال لاهوری، (۱۳۸۱ش) ط ۸، انتشارات سنائی، تهران - ایران.
24. المصفی من صفات الدعاء، عبدالحمید البلالی، ط 4، دار الدعوة، الكويت.
25. المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، (۱۳۶۴ش) محمد فؤاد عبدالباقي، دارالکتب المصریة، القاهرة - مصر.
26. المعجم المفصل لمواضيع القرآن المنزل. (۱۴۲۲هـ) محمد خلیل عیتانی. أنوار الهدی، ط 1، تهران. ایران.
27. الموسوعة المیسرة فی الأديان والمذاهب والأحزاب المعاصرة (1418هـ)، د. مانع بن حماد الجهنی، ط 3، دار الندوة العالمية للنشر والتوزيع، الرياض - المملكة العربية السعودية.
28. نوای شاعر فردا، (شرح اسرار خودی ورموز بی خودی) (۱۳۹۰ش) محمد حسین فرید نی، ط ۱، انتشارات جهان دانش، کابل افغانستان.